



The Impact of Management Accounting Practices on Firm Value Creation: The Role of Contingency Factors and Institutional Investors

Zahra Khorramdel Masouleh 

Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: zkhoram@nus.ac.ir

Amin Nazemi * 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: anazemi@rose.shirazu.ac.ir

Navid Reza Namazi 

Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: nnamazi@rose.shirazu.ac.ir

Abstract

Objective

Iranian companies are venturing into competitive global markets, making effective resource management and cost reduction more crucial than ever. Without adopting modern management accounting practices, companies cannot utilize their resources effectively or develop the necessary strategies for international competition. Furthermore, institutional investors, who play a pivotal role in financial markets, significantly influence managerial decisions and corporate strategies. With access to extensive financial resources and in-depth analyses, these investors often seek to enhance corporate performance and increase shareholder value. By advocating for greater transparency and leveraging advanced management accounting tools, they can steer organizations toward more optimal and efficient decision-making. This study aimed to examine the role of management accounting practices in firm value creation and the impact of institutional investors on this relationship, considering contingency factors such as the firm's lifecycle and size. Given the importance of these factors in managerial decision-making and their impact on long-term firm performance, the present research sought to identify the relationships among these variables.

Citation: Khorramdel Masouleh, Zahra; Nazemi, Amin & Namazi, Navid Reza (2025). The Impact of Management Accounting Practices on Firm Value Creation: The Role of Contingency Factors and Institutional Investors. *Accounting and Auditing Review*, 32(4), 651-690. (in Persian)



Methods

A quantitative approach was employed to analyze the relationships in this study, using adapted measurement models to evaluate management accounting practices and firm lifecycle indicators. The study's statistical sample included 175 companies listed on the Tehran Stock Exchange over 10 years (2013–2022). Data were analyzed using regression analysis to determine the impact of contingency variables and institutional investors, utilizing EViews software.

Results

The results indicate that aligning management accounting practices with the business environment, while potentially reducing short-term company performance (return on assets), positively impacts company performance in the long run. This finding suggests that companies should not base their decisions solely on short-term outcomes; rather, they should adopt a long-term strategy that involves adapting management accounting practices to their business environment. Additionally, this study examines the effect of institutional investors on management accounting practices, revealing that as institutional ownership in a company increases, management accounting practices become less aligned with the business environment. This misalignment may be due to institutional investors' preference for conservative management accounting approaches.

Conclusion

This study demonstrates that the impact of management accounting practices on firm value creation is contingent upon factors such as the firm's lifecycle and size. In other words, management accounting practices alone are not sufficient to create sustainable value; rather, they must align with the specific needs of each stage of the organization's lifecycle. Moreover, the findings indicate that an increase in the percentage of institutional ownership is generally associated with a decrease in the use of management accounting practices, as institutional investors often exert pressure to focus on short-term profitability. This may limit innovation and fundamental changes in practices. Furthermore, ownership concentration among major institutional shareholders can lead to improved oversight and strategic decision-making. Factors such as economic volatility and lack of transparency can also drive institutional investors to focus more on short-term profits, affecting the quality of accounting practices and managerial decisions. This research emphasizes the importance of a contingency approach in management accounting and suggests that managers should pay particular attention to aligning accounting systems with environmental conditions and organizational characteristics. Particularly in companies with institutional ownership, it is essential for managers to adequately address the needs and expectations of this group of shareholders.

Keywords: Life cycle, Management accounting practices, Institutional investors, Company performance, Contingency theory.



ارزیابی تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت با تأکید بر عوامل اقتضایی و نقش سرمایه‌گذاران نهادی

زهرا خرم‌دل ماسوله

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه:
zkhoram@nus.ac.ir

امین ناظمی*

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه:
anazemi@rose.shirazu.ac.ir

نوید رضا نمازی

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه:
nnamazi@rose.shirazu.ac.ir

چکیده

هدف: شرکت‌های ایرانی در حال ورود به بازارهای رقابتی جهانی هستند و نیاز به مدیریت منابع و کاهش هزینه‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود. بدون بهره‌گیری از رویه‌های نوین حسابداری مدیریت، شرکت‌ها قادر نخواهند بود که به‌طور مؤثر از منابع خود بهره ببرند یا استراتژی‌های لازم برای رقابت در سطح بین‌المللی را اتخاذ کنند. از طرفی دیگر، سرمایه‌گذاران نهادی به‌عنوان بازیگران کلیدی در بازارهای مالی، تأثیر چشمگیری بر تصمیمات مدیریتی و راهبردهای شرکت‌ها دارند. این سرمایه‌گذاران، با دسترسی به منابع مالی گسترده و تحلیل‌های عمیق، اغلب به‌دنبال بهبود عملکرد شرکت‌ها و افزایش ارزش سهام هستند و می‌توانند با درخواست شفافیت بیشتر و بهره‌مندی از ابزارهای پیشرفته حسابداری مدیریت، سازمان‌ها را به‌سمت اتخاذ تصمیم‌های بهینه و کارآمد سوق دهند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش رویه‌های حسابداری مدیریت در خلق ارزش شرکت و تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر این رابطه، با در نظر گرفتن شرایط اقتضایی مانند چرخه عمر و اندازه شرکت، انجام شده است. با توجه به اهمیت این عوامل در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و تأثیر آن‌ها بر عملکرد بلندمدت شرکت، پژوهش حاضر به شناسایی روابط بین این متغیرها پرداخته است.

روش: برای تحلیل روابط در این پژوهش، از رویکرد کمی و الگوهای اندازه‌گیری اقتباس شده برای سنجش رویه‌های حسابداری مدیریت و شاخص‌های چرخه عمر شرکت‌ها استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش، ۱۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی

استناد: خرم‌دل ماسوله، زهرا؛ ناظمی، امین و نمازی، نویدرضا (۱۴۰۴). ارزیابی تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت با تأکید بر عوامل اقتضایی و نقش سرمایه‌گذاران نهادی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۲(۴)، ۶۹۰-۶۵۱.

دوره ۱۰ ساله، از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ بوده است. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیونی برای تعیین تأثیر متغیرهای اقتصادی و سرمایه‌گذاران نهادی و به کمک نرم‌افزار ایویز تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که تطابق رویه‌های حسابداری مدیریت با محیط کسب‌وکار، در حالی که ممکن است در کوتاه‌مدت موجب کاهش عملکرد شرکت (بازده دارایی‌ها) شود، در بلندمدت بر عملکرد شرکت تأثیر مثبتی دارد. این یافته حاکی از آن است که شرکت‌ها، نباید فقط بر اساس عملکرد کوتاه‌مدت تصمیم‌گیری کنند، بلکه باید راهبرد بلندمدتی را در نظر بگیرند که در آن رویه‌های حسابداری مدیریت با محیط کسب‌وکار تطابق دارد. این مطالعه، همچنین با بررسی تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت نشان می‌دهد که با افزایش درصد مالکیت سهام شرکت توسط سرمایه‌گذاران نهادی، رویه‌های حسابداری مدیریت شرکت کمتر با محیط کسب‌وکار تطابق پیدا می‌کند. این یافته می‌تواند از تمایل سرمایه‌گذاران نهادی به رویکردهای حسابداری مدیریت محافظه‌کارانه نشئت گرفته باشد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت، به عوامل اقتصادی، از جمله چرخه عمر و اندازه شرکت وابسته است. به عبارت دیگر، رویه‌های حسابداری مدیریت، به‌تنهایی قادر نیستند که ارزش پایدار خلق کنند، بلکه باید با نیازهای خاص هر مرحله از چرخه عمر سازمان هماهنگ شوند. افزون‌براین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افزایش درصد مالکیت نهادی، معمولاً با کاهش استفاده از رویه‌های حسابداری مدیریت همراه است؛ زیرا سرمایه‌گذاران نهادی فشار می‌آورند تا به سوددهی کوتاه‌مدت توجه شود. این امر ممکن است نوآوری و تغییرات اساسی در رویه‌ها را محدود کند. همچنین، تمرکز مالکیت نزد بزرگ‌ترین سهام‌داران نهادی، می‌تواند به بهبود نظارت و تصمیم‌گیری استراتژیک منجر شود. عواملی مانند نوسان‌های اقتصادی و عدم شفافیت نیز می‌توانند موجب تمرکز بیشتر سرمایه‌گذاران نهادی بر سودهای کوتاه‌مدت شوند که کیفیت رویه‌های حسابداری و تصمیمات مدیریتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پژوهش ضمن تأکید بر اهمیت رویکرد اقتصادی در حسابداری مدیریت، به مدیران پیشنهاد می‌دهد که در طراحی و اجرای سیستم‌های حسابداری، به تناسب آن‌ها با شرایط محیطی و ویژگی‌های سازمانی توجه ویژه باشند و به‌خصوص در شرکت‌هایی که تحت مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی هستند، به نیازها و انتظارات این گروه از سهام‌داران پاسخ مناسبی دهند.

کلیدواژه‌ها: چرخه عمر، رویه‌های حسابداری مدیریت، سرمایه‌گذاران نهادی، عملکرد شرکت، نظریه اقتصادی.

مقدمه

در دنیای رقابتی و دائم در حال تغییر، رویه‌های حسابداری مدیریت به سازمان کمک می‌کند تا بقا و مزیت رقابتی فراهم کند، اقدامات مدیریت را هدایت کند و از ارزش‌های فرهنگی لازم برای دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان حمایت می‌کند (داسایانا، مورفی، ناگیریکاندالاژ و ابیکون^۱، ۲۰۲۱). رویه‌های حسابداری مدیریت، در تضمین کارایی در مدیریت شرکت نقش مهمی ایفا می‌کند و همچنین ممکن است عملکرد را بهبود بخشد (اکس و گرو^۲، ۲۰۱۷). رویه‌های حسابداری مدیریت، مدیریت را قادر می‌سازد تا اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری معنادار را به‌دست آورد. رویه‌های حسابداری مدیریت، همچنین به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا در بازار رقابت کنند و احتمال شکست کسب‌وکار را کاهش دهند (عالین و ویکز ماراشال^۳، ۲۰۱۱؛ عرب مازار یزدی، ناصری، نکوئی زاده و مرادی، ۱۳۹۶).

هدف نهایی رویه‌های حسابداری مدیریت، بهبود عملکرد سازمانی است. رویه‌های حسابداری مدیریت به مدیران در تصمیم‌گیری‌های حیاتی در خصوص آینده شرکت کمک می‌کنند. رویه‌های حسابداری مدیریت سنتی با تمرکز مالی کوتاه‌مدت و رویه‌های حسابداری مدیریت معاصر با تمرکز مالی و غیرمالی بلندمدت، شرایط ایدئالی را برای پایداری بلندمدت کسب‌وکار فراهم می‌کنند (روانتی و مودیانسه^۴، ۲۰۲۲). رویه‌های حسابداری مدیریت به‌عنوان مجموعه‌ای از دانش در سال‌های اخیر پیچیده‌تر شده‌اند. در یک محیط نامطمئن و رقابتی، شرکت‌ها تمایل دارند از اطلاعات بیشتری در مورد رویه‌های حسابداری مدیریت برای تصمیم‌گیری به‌منظور بهبود تخصیص منابع و در نتیجه بهبود عملکرد کسب‌وکار استفاده کنند (میا و کلارک^۵، ۱۹۹۹) و تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد، بستگی به نحوه استفاده شرکت‌ها از اطلاعات دریافتی دارد (بینز و لانگفیلد اسمیت^۶، ۲۰۰۳). با وجود پیامدهای مثبتی که به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت می‌تواند برای شرکت‌ها به‌دنبال داشته باشد؛ اما تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت، همواره در جهت معناداری مثبت و افزایش عملکرد نبوده است. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد در حالی که رواج رویه‌های حسابداری مدیریت سنتی هنوز غالب است، چنین رویه‌هایی با عملکرد یا تغییرات سازمانی مرتبط نبوده است (آنه^۷، ۲۰۱۶؛ نوهو، بیرد و آپوهامی^۸، ۲۰۱۶). پژوهش‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد کلی شرکت تأثیر مثبتی دارد (دیانتی، علم‌بیگی و خطیبی، ۱۳۹۵؛ پاک مرام و رضایی، ۱۳۹۶؛ نخعی، یزدی‌فر و فغانی، ۱۴۰۰؛ احمد^۹، ۲۰۱۷؛ بودی، ولانساری و یانتی^{۱۰}، ۲۰۲۳)؛ اما در عین حال پژوهش‌هایی با نتایج متناقضی وجود دارد که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه یا حتی رابطه منفی است که پیچیدگی این موضوع را در محیط

1. Dasanayaka, Murphy, Nagirikandalage & Abeykoon
2. Ax & Greve
3. Alleyne & Weekes-Marshall
4. Ruwanthi & Mudiyanse
5. Mia & Clarke
6. Baines & Langfield-Smith
7. Anh
8. Nuhu, Baird & Appuhami
9. Ahmad
10. Budi, Wulansari & Yanti

کسب‌وکار معاصر برجسته می‌کند (آسمیلیا و سوگیارتی^۱، ۲۰۲۰؛ پررا، گوانواردانا و سنویراتن^۲، ۲۰۲۳). این نتایج متناقض نشان می‌دهد که عوامل متعددی بر رابطه بین رویه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذارند و نمی‌توان به‌طور قطعی و کلی در خصوص این رابطه اظهار نظر کرد.

یکی از مهم‌ترین دلایل این نتایج متناقض، بی‌توجهی به شرایط اقتضایی است. رویه‌های حسابداری مدیریت، ابزاری هستند که در شرایط مختلف و برای شرکت‌های متفاوت به کار می‌روند؛ بنابراین، برای درک بهتر تأثیر این رویه‌ها بر عملکرد شرکت‌ها، لازم است که شرایط اقتضایی هر شرکت را در نظر گرفت. در این پژوهش، بر دو عامل اقتضایی مهم یعنی چرخه عمر شرکت و اندازه شرکت تمرکز می‌شود. این دو عامل به‌عنوان دو ویژگی اساسی هر شرکت، می‌توانند بر انتخاب و کاربرد رویه‌های حسابداری مدیریت و در نتیجه بر عملکرد شرکت تأثیرگذار باشند.

افزون بر عوامل اقتضایی، نقش سرمایه‌گذاران نهادی را به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در محیط کسب‌وکار، نمی‌توان نادیده گرفت. سرمایه‌گذاران نهادی به‌دلیل سهم چشمگیری که در مالکیت شرکت‌ها دارند، می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، از جمله انتخاب و استفاده از رویه‌های حسابداری مدیریت تأثیرگذار باشند. این پژوهش تلاش می‌کند تا با بررسی رابطه بین رویه‌های حسابداری مدیریت، عملکرد شرکت، و نقش سرمایه‌گذاران نهادی در شرایط اقتضایی مختلف، به درک عمیق‌تری از این موضوع دست یابد.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر اقتضایی رویه‌های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت و همچنین، بررسی نقش سرمایه‌گذاران نهادی در این رابطه است. به‌طور خاص، این پژوهش به‌دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. مراحل مختلف چرخه عمر چه اثری بر رویه‌های حسابداری مدیریت در شرکت دارد؟ چگونه می‌توان الگویی از

رویه‌های حسابداری مدیریت داشت که اثر اقتضایی چرخه عمر را نشان دهد؟

۲. اثر به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت با درنظر گرفتن عوامل اقتضایی چه تأثیری بر عملکرد شرکت و

خلق ارزش بلندمدت دارد؟

۳. سرمایه‌گذاران نهادی چه تأثیری بر به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت دارند؟

نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدیران، سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران و پژوهشگران حوزه حسابداری و مدیریت ارزشمند باشد. مدیران با شناخت بهتر تأثیر اقتضایی رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت، می‌توانند در مراحل مختلف چرخه عمر سازمان، استراتژی‌های مالی و مدیریتی مناسب‌تری را تدوین کنند و به بهبود عملکرد و خلق ارزش پایدار کمک کنند. سرمایه‌گذاران، به‌ویژه سرمایه‌گذاران نهادی، می‌توانند از یافته‌های این پژوهش برای ارزیابی بهتر نقش مدیریت حسابداری در بهینه‌سازی تصمیمات سرمایه‌گذاری و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بهره ببرند. همچنین، سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی می‌توانند از این نتایج برای تدوین استانداردها و مقرراتی که به بهبود شفافیت مالی و کارایی بازار سرمایه منجر می‌شود، استفاده کنند. در نهایت، پژوهشگران می‌توانند با تکیه بر این مطالعه، مدل‌های نظری و تجربی پیشرفته‌تری را در زمینه مدیریت حسابداری، سرمایه‌گذاری نهادی و خلق ارزش توسعه داده و به غنای ادبیات علمی این حوزه کمک کنند.

1. Asmilia & Sugiyarti

2. Perera, Gunawardana & Senevirathne

در ادامه این پژوهش، ابتدا به مرور ادبیات موجود و مبانی نظری در زمینه رویه‌های حسابداری مدیریت، عملکرد شرکت و نقش سرمایه‌گذاران نهادی پرداخته می‌شود. سپس، مدل مفهومی پژوهش ارائه می‌شود. در بخش بعدی، روش‌شناسی پژوهش تشریح شده و در نهایت، نتایج پژوهش تحلیل و تفسیر می‌شود و پیشنهادها کاربردی پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری

رویه‌های حسابداری مدیریت

حسابداری مدیریت یکی از ابزارهای حیاتی در دنیای کسب‌وکار است که به مدیران کمک می‌کند تا تصمیم‌های آگاهانه و مؤثری را اتخاذ کنند. این شاخه از حسابداری با ارائه اطلاعات مالی و غیرمالی مرتبط، به بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری و افزایش کارایی سازمان کمک می‌کند (اکس و گرو، ۲۰۱۷). طبق «اصول حسابداری مدیریت جهانی»^۱ (صادر شده توسط حسابدار مدیریت جهانی خبره^۲، ۲۰۲۳)، هفت بُعد کلیدی وجود دارد که در هدایت رویه‌های حسابداری مدیریت نقش مهمی دارد و هر یک به نحوی در موفقیت سازمان نقشی ایفا می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: مدیریت بهاء، سرمایه‌گذاری، بودجه‌بندی، عملیات، عملکرد، استراتژی و مدیریت ریسک.

۱. مدیریت بهاء: مدیریت بهاء شامل شناسایی، تحلیل و کنترل هزینه‌ها در سازمان است. این بُعد به مدیران کمک می‌کند تا منابع سازمان را بهینه تخصیص دهند و بدون اینکه کیفیت محصولات یا خدمات تحت تأثیر قرار گیرد، هزینه‌ها را کاهش دهند.
۲. سرمایه‌گذاری: این بُعد به ارزیابی و انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌پردازد که می‌تواند سودآوری و رشد سازمان را در بلندمدت تضمین کند. حسابداران مدیریت با استفاده از ابزارهای مالی، به تحلیل و پیش‌بینی بازده سرمایه‌گذاری‌ها می‌پردازند.
۳. بودجه‌بندی: بودجه‌بندی فرایندی است که در آن، منابع مالی سازمان به‌صورت برنامه‌ریزی شده تخصیص داده می‌شود. این بُعد از حسابداری مدیریت به مدیران کمک می‌کند تا کنترل بیشتری روی هزینه‌ها و درآمدها داشته باشند و از انحراف‌های مالی جلوگیری کنند.
۴. عملیات: بُعد عملیات بهینه‌سازی فرایندهای تولید و خدمات در سازمان می‌پردازد. با استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت، سازمان‌ها می‌توانند کارایی عملیات خود را افزایش دهند و بهبود مستمر را دنبال کنند.
۵. عملکرد: حسابداری مدیریت به ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد سازمان کمک می‌کند. این بُعد شامل تجزیه و تحلیل شاخص‌های کلیدی عملکرد و ارائه گزارش‌های مرتبط است که به مدیران امکان می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف سازمان را شناسایی کنند.

1. Global Management Accounting Principles

2. Chartered Global Management Accountant (CGMA)

۶. استراتژی: این بُعد به تدوین و اجرای استراتژی‌های کسب‌وکار می‌پردازد. حسابداران مدیریت با ارائه تحلیل‌های مالی و پیش‌بینی‌های استراتژیک، در تعیین مسیر آینده سازمان نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۷. مدیریت ریسک: مدیریت ریسک شامل شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسک‌های مالی و عملیاتی است که می‌تواند بر عملکرد و بقای سازمان تأثیرگذار باشد. این بُعد از حسابداری مدیریت، به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با تهدیدهای مختلف، به‌شیوه‌ای پیشگیرانه مواجه شوند و از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کنند.

با توجه به این هفت بُعد، می‌توان گفت که حسابداری مدیریت نه تنها نوعی ابزار نظارتی محسوب می‌شود، بلکه به‌عنوان یک شریک استراتژیک در فرایند تصمیم‌گیری و هدایت سازمان به‌سوی موفقیت عمل می‌کند. بهره‌گیری از این ابعاد کلیدی، می‌تواند موجب ارتقای کارایی، اثربخشی و رقابت‌پذیری سازمان در بازارهای پویا و پیچیده امروزی شود.

نقش نظریه اقتضایی در رویه‌های حسابداری مدیریت

نظریه اقتضایی در رویه‌های حسابداری مدیریت نقش مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا این نظریه بر این اصل مبتنی است که طراحی و اجرای سیستم‌های حسابداری مدیریت، باید به شرایط خاص هر سازمان بستگی داشته باشد. این نظریه بیان می‌کند که هیچ رویکرد واحدی برای تمامی سازمان‌ها مناسب نیست، بلکه سیستم‌های حسابداری مدیریت باید بر اساس عوامل متعددی مانند محیط خارجی، تکنولوژی، ساختار سازمانی، فرهنگ، اندازه و استراتژی سازمان طراحی و تنظیم شوند (آلروقی^۱، ۲۰۲۰؛ دیانتی و همکاران، ۱۳۹۵؛ یعقوبیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ سجادی، اثنی عشری و شاکری، ۱۴۰۲؛ نظری‌پور و حیدری، ۱۴۰۳).

مطالعات نشان داده‌اند که عوامل اقتضایی می‌توانند بر کارآمدی و پیچیدگی سیستم‌های حسابداری مدیریت تأثیرهای چشمگیری داشته باشند. برای مثال، عواملی نظیر عدم قطعیت محیطی، قدرت مشتری، تمرکززدایی و اندازه سازمان به‌طور معناداری می‌توانند پیچیدگی و پیشرفته بودن سیستم‌های حسابداری مدیریت را توضیح دهند (عبدالقادر و لوتر^۲، ۲۰۰۸؛ نگوین، نگوین، نگوین و نگوین^۳، ۲۰۲۳). همچنین، پژوهش‌های دیگری نشان می‌دهند که نظریه اقتضایی می‌تواند به توضیح تفاوت‌ها در رویه‌های حسابداری مدیریت در سازمان‌های مختلف کمک کند؛ زیرا هر سازمان به‌دلیل شرایط خاص خود، به یک سیستم حسابداری مدیریت متفاوت نیاز دارد (اسماعیل، زینودین و ساپیه^۴، ۲۰۱۰). بنابراین، نظریه اقتضایی بر این نکته تأکید دارد که سیستم‌های حسابداری مدیریت، باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به‌طور بهینه با شرایط و نیازهای سازمان هماهنگ شوند تا بتوانند کارایی و اثربخشی لازم را برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی فراهم آورند (ادو قیامفی، یوشنگ و چیپور^۵، ۲۰۲۰). به‌طور خاص، چرخه عمر و اندازه شرکت به‌عنوان دو عامل اقتضایی مهم می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی و اجرای سیستم‌های حسابداری مدیریت ایفا کنند. در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت، نیازهای اطلاعاتی مدیریت متفاوت است؛ برای مثال، شرکت‌های در حال رشد ممکن است به سیستم‌های

1. Alroqy
2. Abdel-Kader & Luther
3. Nguyen, Nguyen, Nguyen & Nguyen
4. Ismail, Zainuddin & Sapiei
5. Adu-Gyamfi, Yusheng & Chipwere

حسابداری مدیریت پیشرفته‌تری نیاز داشته باشند تا بتوانند تصمیم‌های مؤثرتری در زمینه تخصیص منابع و کنترل هزینه‌ها اتخاذ کنند در حالی که شرکت‌های بالغ، ممکن است تمرکز بیشتری بر مدیریت هزینه‌ها و بهینه‌سازی فرایندهای عملیاتی داشته باشند (ونگ، اکبر و اکبر^۱، ۲۰۲۰؛ کیهارا^۲، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، اندازه شرکت نیز می‌تواند میزان پیچیدگی و گستردگی سیستم‌های حسابداری مدیریت را تحت تأثیر قرار دهد، به‌طوری که شرکت‌های بزرگ‌تر، معمولاً از سیستم‌های پیچیده‌تر و یکپارچه‌تری استفاده می‌کنند تا بتوانند نیازهای متنوع‌تر مدیریتی خود را پاسخ دهند و در برابر تغییرات محیطی انعطاف‌پذیرتر عمل کنند (عبدالقادر و لوتر، ۲۰۰۸). این عوامل اقتضایی به وضوح نشان می‌دهند که طراحی سیستم‌های حسابداری مدیریت باید به‌گونه‌ای باشد که به‌طور ویژه، به چرخه عمر و اندازه سازمان پاسخ‌گو باشد تا کارایی و اثربخشی بالاتری را فراهم آورد.

چرخه عمر شرکت و رویه‌های حسابداری مدیریت

یک چرخه حیات در توسعه همه چیز در جهان وجود دارد و شرکت‌ها نیز از این قاعده مستثنا نیستند. اصطلاح «چرخه حیات سازمانی» به این واقعیت اشاره دارد که یک شرکت دارای چرخه زندگی مشابهی با انسان و سایر موجودات است (لو و ونگ^۳، ۲۰۱۸). رویکردهای متفاوتی در خصوص چرخه عمر شرکت وجود دارد. از دیدگاه میلر و فریسن^۴ (۱۹۸۴)، شرکت‌ها در طول چرخه عمر خود، پنج مرحله متمایز را تجربه می‌کنند. این مراحل عبارت‌اند از: ۱. تولد؛ ۲. رشد؛ ۳. بلوغ؛ ۴. تجدید حیات؛ ۵. رکود.

تعامل بین چرخه عمر شرکت و رویه‌های حسابداری مدیریت آن، برای سلامت مالی و موفقیت آن بسیار مهم است. همان‌طور که یک شرکت در مراحل چرخه عمر خود پیشرفت می‌کند، رویه‌های حسابداری مدیریت آن باید با نیازها و چالش‌های در حال تغییر هر مرحله سازگار شود (میلر و فریسن، ۱۹۸۴؛ دوسی، مورل و زونی^۵، ۲۰۱۲). در طول مرحله رشد، مدیریت صحیح جریان نقدی ضروری است و رویه‌های حسابداری مدیریت باید بر مدیریت کارآمد سرمایه در گردش برای حمایت از توسعه تمرکز کند (ونگ، اکبر و اکبر، ۲۰۲۰). در مرحله بلوغ، رویه‌های حسابداری مدیریت باید بر بهینه‌سازی سودآوری و مدیریت ریسک تمرکز کند (کیهارا، ۲۰۲۳). مطالعات حاکی از آن است که شرکت‌ها تمایل دارند رویه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک را بیشتر در طول مراحل رشد و کمتر در طول مراحل زوال اتخاذ کنند، انحراف از استفاده بهینه از رویه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک، به عملکرد پایین‌تر منجر می‌شود (پاسچ^۶، ۲۰۱۹؛ پو، ژائو، نوردین و سوندو^۷، ۲۰۲۳). افزون‌براین، شرکت‌ها در بخش چرخه‌ای مصرف‌کننده تمایل دارند که از رویه‌های حسابداری مدیریت مدرن در مراحل رشد و از رویه‌های حسابداری سنتی در مراحل بلوغ استفاده کنند، در حالی که مراحل رکود از رویه‌های پیچیده چشم‌پوشی می‌کنند (بیورن، رنگل و رودریگز^۸، ۲۰۱۵؛ سیلوا، مارکوس و سسن^۹، ۲۰۲۰).

1. Wang, Akbar & Akbar

2. Kihara

3. Lu & Wang

4. Miller & Friesen

5. Dossi, Morelli & Zoni

6. Pasch

7. Pu, Zhao, Noordin & Sondoh

8. Beuren, Rengel & Rodrigues

9. Silva, Marques & Cecon

علاوه‌براین، تصمیم‌گیری مؤثر در مراحل مختلف چرخه عمر، نیازمند اطلاعات به‌روزی است که توسط سیستم‌های حسابداری مدیریتی ارائه می‌شود و بر اهمیت نگاه به آینده، به‌جای تمرکز صرف بر رویدادهای گذشته تأکید می‌کند (فنیوس، بوسکی و سوتو^۱، ۲۰۱۵). رویه‌های حسابداری مدیریت مؤثر می‌تواند به شرکت کمک کند تا چالش‌های هر مرحله چرخه عمر را طی کند، نقدینگی را تضمین کند، از عملیات روزانه پشتیبانی کند و در نهایت بر سلامت مالی شرکت تأثیر بگذارد (کیماز، حق و چودهری^۲، ۲۰۲۴).

به‌طور خلاصه، تعامل بین چرخه عمر شرکت و رویه‌های حسابداری مدیریت برای موفقیت بلندمدت بسیار مهم است. با تطبیق رویه‌های حسابداری با هر مرحله از چرخه عمر، شرکت‌ها می‌توانند چالش‌ها را بررسی کنند، از فرصت‌ها برای افزایش موفقیت و پیشرفت بهره‌برداری هوشمندانه، خلاقانه و به‌موقع داشته باشند و رشد پایدار را تضمین کنند.

رویه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت

هدف اصلی سیستم‌های حسابداری مدیریت، ارائه اطلاعات دقیق، به‌موقع، قابل‌اعتماد و مرتبط برای تصمیم‌گیری است. اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زمان درست باعث بهبود عملکرد شرکت از طریق منطقی‌سازی هزینه‌ها، کاهش زیان، افزایش درآمد و/یا بهبود درآمد می‌شود. بنابراین، مطالعات متعددی در ادبیات حسابداری مدیریت به بررسی رابطه بین استفاده از رویه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت پرداخته‌اند (نوار^۳، ۲۰۲۳).

مطالعات به‌طور مداوم نشان داده‌اند که پذیرش و اجرای رویه‌های مختلف حسابداری مدیریت، مانند سیستم‌های هزینه‌یابی، سیستم‌های بودجه‌بندی، سیستم‌های ارزیابی عملکرد، مدیریت استراتژیک و ارائه اطلاعات برای تصمیم‌گیری، تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارند. استفاده مؤثر از رویه‌های حسابداری مدیریت به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند، عملکرد را بهبود بخشند و به اهداف استراتژیک خود دست یابند (احمد، ۲۰۱۷؛ دیانتی و همکاران، ۱۳۹۵؛ پاک‌مرام و رضایی، ۱۳۹۶؛ نخعی و همکاران، ۱۴۰۰). با این حال، برخی مطالعات نشان می‌دهند که رویه‌های حسابداری مدیریت ممکن است بر عملکرد شرکت تأثیر درخور توجهی نداشته باشند. در مطالعه‌ای که توسط یانگ و سلتنو^۴ (۱۹۹۳) انجام شد، هیچ مدرکی مبنی بر ارتباط بین استفاده از معیارهای غیرمالی در تولید به‌نگام با عملکرد تولید پیدا نشد.

گوردون و سیلوستر^۵ (۱۹۹۹) از روش مطالعه رویدادی^۶ برای بررسی تأثیر استفاده از هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت بر ارزش شرکت استفاده کردند و هیچ شواهدی مبنی بر اثرگذاری هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت بر ارزش سهام شرکت نیافتند. اعتمادی، دیلمی، بزاز و پارامسواران^۷ (۲۰۰۹) شواهد قانع‌کننده‌ای یافتند مبنی بر اینکه ابزارها و تکنیک‌های حسابداری مدیریت توسعه‌یافته در کشورهای غربی، در ایران چندان مفید نیستند. علاوه‌براین، آسمیلیا و سوگیارتی (۲۰۲۰)، تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت مثبت بر مزیت‌های رقابتی را نشان دادند؛ اما در خصوص تأثیر رویه‌های

1. Fenyves, Böcskei & Sütő

2. Kiymaz, Haque & Choudhury

3. Nowar

4. Young & Selto

5. Gordon & Silvester

6. Event Study

7. Etemadi, Dilami, Bazaz & Parameswaran

حسابداری مدیریت بر عملکرد بانک، ارتباط معناداری نیافتند. به همین ترتیب، فورنلافاتراچاکورن و ناکالاسیندهو^۱ (۲۰۲۰) شواهدی ارائه می‌دهند که بودجه‌بندی تأثیر قابل توجهی بر بهره‌وری دارد، اما بر عملکرد شرکت در تایلند تأثیر نمی‌گذارد. داهال^۲ (۲۰۲۲) نیز تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت را در شرکت‌های نپالی مورد بررسی قرار داد و شواهدی مبنی بر تأثیر معنادار پیدا نکرد. افزون‌براین، پررا و همکارانش (۲۰۲۳) دریافتند که بودجه‌بندی، ارزیابی عملکرد و حسابداری مدیریت استراتژیک، بر عملکرد عملیاتی تأثیر چشمگیری دارد؛ اما سیستم‌های هزینه‌یابی و سیستم‌های پشتیبانی تصمیم از نظر آماری، بر عملکرد عملیاتی تأثیر معناداری ندارد.

رویه‌های حسابداری مدیریت حتی ممکن است به دلیل عوامل زمینه‌ای مختلف تأثیر منفی بر عملکرد شرکت داشته باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند اندازه شرکت و استراتژی شرکت با سطوح پذیرش رویه‌های حسابداری مدیریت، رابطه منفی معناداری دارند که به‌طور بالقوه، به اثرهای نامطلوب بر عملکرد منجر می‌شود (نوآر، ۲۰۲۳). بنابراین، رویه‌های حسابداری مدیریت می‌تواند بسته به شرایط، غیرمؤثر یا حتی ناکارآمد باشد (اعتمادی و همکاران، ۲۰۰۹). ایتنر و لارکر^۳ (۱۹۹۷) تجارت خودرو و کامپیوتر را در چهار کشور کانادا، آلمان، ژاپن و ایالات متحده آمریکا بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که برخی از شیوه‌های کنترل استراتژیک با عملکرد شرکت رابطه منفی دارند. علاوه‌براین، در یک مطالعه گسترده از صنعت خدمات مالی در ایالات متحده، برای ارزیابی رابطه بین معیارهای مختلف عملکرد استراتژیک با عملکرد شرکت، ایتنر، لارکر و رندال^۴ (۲۰۰۳) شواهدی مبنی بر ارتباط منفی بین کارت ارزیابی متوازن و بازده دارایی‌ها ارائه کردند.

به‌طور کلی، ادبیات نتایج متناقضی را نشان می‌دهد. برخی از مطالعات روابط مثبت بین رویه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت را تأیید کرده و برخی دیگر رابطه‌ای گزارش نکرده‌اند و حتی برخی از مطالعات نشان‌دهنده همبستگی منفی بین رویه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت هستند (توان و همکاران، ۲۰۲۲،^۵).

سرمایه‌گذاران نهادی و رویه‌های حسابداری مدیریت

در چشم‌انداز پیچیده شرکتی امروزی، تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت، موضوعی است که اهمیت فزاینده‌ای دارد. سرمایه‌گذاران نهادی، مانند صندوق‌های بازنشستگی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، در شکل دادن به فرایند تصمیم‌گیری مالی شرکت‌ها و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های مدیریتی، از طریق حق رأی و تقاضای شفافیت و پاسخ‌گویی، قدرت درخور توجهی دارند (دوربرتز، قول و گودهامی^۶، ۲۰۲۱). سهام مالکیت آن‌ها این توانایی را به آن‌ها می‌دهد تا تغییراتی را در رویه‌های حسابداری مدیریت ایجاد کنند که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای شرکت و سهام‌داران آن داشته باشد (البسام، انتیم، اوپونگ و داونز^۷، ۲۰۱۸؛ ابراهیمی کهریزسنگی و بخردی نسب، ۱۳۹۸).

1. Phornlaphatrachakorn & Nakalasindhu

2. Dahal

3. Ittner & Larcker

4. Ittner, Larcker & Randall

5. Thuan et al.

6. Drobetz, Ghoul & Guedhami

7. Al-Bassam, Ntim, Opong & Downs

سرمایه‌گذاران نهادی معمولاً به دنبال شرکت‌هایی هستند که عملکرد مالی قوی و مدیریت هزینه مؤثر را نشان می‌دهند. به این ترتیب، آن‌ها ممکن است بر شرکت‌ها فشار بیاورند تا روش‌های حسابداری مدیریت خاصی را اتخاذ کنند که با انتظارات آن‌ها هم‌سو باشد، مانند اجرای سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد، فرایندهای بودجه‌بندی و استراتژی‌های کنترل هزینه (بنکرائیم^۱، ۲۰۰۸).

علاوه بر این، سرمایه‌گذاران نهادی اغلب شرکت‌ها را بر اساس شیوه‌های گزارشگری مالی و افشای آن‌ها ارزیابی می‌کنند. آن‌ها ممکن است برای شفافیت بیشتر در گزارشگری مالی و پیروی دقیق‌تر از استانداردهای حسابداری برای اطمینان از اطلاعات دقیق و قابل اعتماد برای تصمیم‌گیری تلاش کنند (بوشی، کارتر و گراکوس^۲، ۲۰۱۴).

تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت در شکل‌دهی به فرایند تصمیم‌گیری مالی شرکت‌ها بسیار مهم است (گونزالز، وانتی و یودیسیوس^۳، ۲۰۲۳). به‌طور کلی، خواسته‌ها و ترجیحات سرمایه‌گذاران نهادی می‌تواند سازمان‌ها را به اتخاذ رویه‌های حسابداری مدیریت دقیق‌تر و پیچیده‌تر برای برآورده کردن انتظارات این سهام‌داران کلیدی و حفظ رقابت‌پذیری آن‌ها در بازار سوق دهد (دنگ و تو^۴، ۲۰۲۲).

به‌طور خلاصه، سرمایه‌گذاران نهادی احتمالاً دارای بیشترین سطح تخصص در ارزیابی مزایا و هزینه‌های رویه‌های حسابداری مدیریت بر اساس ویژگی‌های اساسی شرکت هستند. از این رو، اگر سرمایه‌گذاران نهادی، مزایای حسابداری مدیریت را درک کنند، احتمالاً شرکت را تحت فشار قرار می‌دهند تا سطح بالاتری از حسابداری مدیریت را اتخاذ کند (فیرک، اسمیت و ولف^۵، ۲۰۱۹). افزون بر این، به علت اهمیت سهام‌داران نهادی، شرکت‌ها ترغیب می‌شوند تا پیشنهادها را برای جلوگیری از خروج احتمالی دنبال کنند و اعتماد خود را حفظ کنند (فررا و ماتوس^۶، ۲۰۰۸). در نتیجه، انتظار می‌رود که شرکت‌هایی که مزایای بالقوه رویه‌های حسابداری مدیریت را نشان می‌دهند، تحت تأثیر سهام‌داران نهادی باشند.

پیشینه تجربی پژوهش

به علت گستردگی موضوع پژوهش، پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با عوامل اقتضایی مؤثر در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت در جدول ۱، پژوهش‌های مرتبط با رابطه بین مراحل چرخه عمر شرکت و رویه‌های حسابداری مدیریت در جدول ۲، پژوهش‌های مرتبط با تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت در جدول ۳ و پژوهش‌های مرتبط با تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت در جدول ۴ و به‌طور اختصار ارائه می‌شود.

1. Benkraiem
2. Bushee, Carter & Gerakos
3. González, Vanti & de Iudícibus
4. Deng & Tu
5. Firk, Schmidt & Wolff
6. Ferreira & Matos

جدول ۱. خلاصه نتایج پژوهش‌های مرتبط با عوامل اقتضایی مؤثر در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت

ردیف	پژوهشگر / پژوهشگران	نتیجه / نتایج
۱	دهقان وردانی (۱۳۹۸)	تأثیر معنادار بحران اقتصادی بر پذیرش نوآوری‌های حسابداری مدیریت و میزان استفاده از آن.
۲	یعقوبیان و همکاران (۱۴۰۰)	ارائه مدل اقتضایی ارزیابی عملکرد شرکت‌ها با تأکید بر نقش ابزارهای نوین حسابداری مدیریت.
۳	یعقوبیان و همکاران (۱۴۰۱)	تعدیل معنادار و مثبت رابطه بین استفاده از ابزارهای نوین حسابداری مدیریت با عملکرد شرکت توسط سه فاکتور اقتضایی رقابت بازار، عدم اطمینان محیطی و اندازه شرکت.
۴	سجادی، اثنی عشری و شاکری (۱۴۰۲)	تأثیر مثبت و معنادار فرهنگ نوآوری‌گرا بر افزایش کاربرد فن‌های حسابداری مدیریت استراتژیک و تأثیر عوامل فرهنگی در سطح سازمانی، بر نوآوری‌های حسابداری مدیریت استراتژیک.
۵	آلروقی (۲۰۲۰)	تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند محیط رقابتی کسب‌وکار، اندازه شرکت، سطح فناوری اطلاعات به کار رفته و صلاحیت کارکنان بر رویه‌های حسابداری مدیریت.
۶	نگوین و همکاران (۲۰۲۳)	تأثیر مثبت عواملی مانند اندازه سازمان، شدت رقابت، ساختار سازمانی (مدیریت غیرمتمرکز)، فناوری سازمان، استراتژی کسب‌وکار و درک ناپایداری بازار بر کاربرد حسابداری مدیریت استراتژیک.

جدول ۲. خلاصه نتایج پژوهش‌های مرتبط با رابطه بین مراحل چرخه عمر شرکت و رویه‌های حسابداری مدیریت

ردیف	پژوهشگر / پژوهشگران	نتیجه / نتایج
۱	دویلا ^۱ (۲۰۰۵)	با پیشرفت شرکت‌ها در طول چرخه عمر، از راه‌اندازی به مرحله رشد، تغییر واضحی از سیستم‌های کنترل غیررسمی به سیستم‌های رسمی کنترل و نیاز به رویه‌های حسابداری مدیریت دقیق‌تر و ساختاریافته‌تر.
۲	کوبر و پل ^۲ (۲۰۰۷)	تمایل شرکت‌ها در مرحله رشد به ترویج نوآوری از سازوکارهای کنترل منعطف‌تر و در مرحله بلوغ، تأکید بیشتر بر سازوکارهای کنترل دقیق برای اطمینان از هم‌راستا بودن استراتژیک و کارایی عملیاتی.
۳	کولمانین ^۳ (۲۰۱۲)	تغییر شیوه‌های حسابداری مدیریت، مانند تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری استراتژیک و سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد، در مراحل مختلف چرخه عمر یک شرکت برای هم‌سو شدن با اهداف سازمانی.
۴	فنیوس و همکاران (۲۰۱۵)	نقش مهم حسابداری مدیریت با ارائه اطلاعات به‌روز برای تصمیم‌گیری مؤثر، تضمین عملکرد موفق و تمرکز بر استراتژی‌های آینده‌نگر، در مراحل مختلف چرخه حیات شرکت.
۵	پاسچ (۲۰۱۹)	افزایش نرخ به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک توسط شرکت‌ها، از مرحله تولد تا مرحله احیا در چرخه عمر.
۶	سیلوا و همکاران (۲۰۲۰)	استفاده از ابزارهای حسابداری مدیریت مدرن در مرحله رشد و ابزارهای حسابداری مدیریت سنتی در مرحله بلوغ.

1. Davila
2. Kober & Paul
3. Kolehmainen

جدول ۳. خلاصه نتایج پژوهش‌های مرتبط با تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت

ردیف	پژوهشگر / پژوهشگران	نتیجه / نتایج
۱	پاک‌مرام و رضایی (۱۳۹۶)	ارتباط شایان توجه میان استراتژی‌های سازمانی و رویه‌های حسابداری مدیریت منجر به افزایش عملکرد سازمانی.
۲	نمازی و کرمشاهی (۱۳۹۹)	تأثیر غیرمستقیم فن‌های حسابداری مدیریت بر رابطه بین کنشگران اقتصادی و عملکرد مالی.
۳	نخعی، یزدی‌فر و فغانی (۱۴۰۰)	تأثیر تکنیک قیمت‌گذاری پویا به‌عنوان تکنیکی از حسابداری مدیریت استراتژیک بر سطح اثربخشی رقابت شرکت‌ها.
۴	ملک حسینی، عرب صالحی و فروغی (۱۴۰۰)	تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با در نظر گرفتن تکنیک‌های حسابداری مدیریت نوین.
۵	نوهو و همکاران (۲۰۱۶)	عدم وجود رابطه بین رویه‌های سنتی حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت. وجود رابطه بین رویه‌های حسابداری مدیریت جدید و عملکرد شرکت.
۶	ادو قیامفی و همکاران (۲۰۲۰)	تأثیر مثبت رویه‌های کلیدی حسابداری مدیریت شامل: سیستم هزینه‌یابی، سیستم بودجه‌بندی، سیستم ارزیابی عملکرد، مدیریت استراتژیک و اطلاعات برای تصمیم‌گیری، بر عملکرد شرکت‌های تولیدی در غنا.
۷	داهال (۲۰۲۲)	عدم تأثیر معنادار رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت‌های تولیدی نیپال.
۸	بودی و همکاران (۲۰۲۳)	تأثیر مثبت سیستم بودجه‌ریزی، سیستم اندازه‌گیری عملکرد و حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد شرکت. اما عدم تأثیر سیستم هزینه‌یابی و سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری بر عملکرد شرکت.

جدول ۴. خلاصه نتایج پژوهش‌های مرتبط با تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت

ردیف	پژوهشگر / پژوهشگران	نتیجه / نتایج
۱	ابراهیمی کهریزسنگی و بخردی نسب (۱۳۹۸)	استفاده بیشتر از تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک توسط شرکت‌های با مالکان نهادی فعال و استقلال بالا در کمیته حسابرسی.
۲	سحری و پورزمانی (۱۴۰۱)	تأثیر معنادار مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی.
۳	هوینون ^۱ (۲۰۱۵)	کمک سهام‌داران نهادی به رابطه دوطرفه حاکمیت شرکتی و حسابداری مدیریت با تضمین ایجاد ساختارهای حاکمیت شرکتی مناسب و حمایت از پذیرش تکنیک‌های حسابداری مدیریت.
۴	چانگ، هور و لی ^۲ (۲۰۱۹)	بهبود عملکرد آتی توسط سهام‌داران نهادی بلندمدت با کاهش مقاومت هزینه و نشان‌دهنده تأثیر مثبت آنان بر رویه‌های حسابداری مدیریت برای ایجاد ارزش بلندمدت.
۵	دنگ و تو ^۳ (۲۰۲۲)	تأثیر مثبت سهام‌داران نهادی بر عملکرد شرکت و کیفیت اطلاعات حسابداری و تأثیر غیرمستقیم بر رویه‌های حسابداری مدیریت از طریق اندازه‌گیری عملکرد.
۶	گونزالز و همکاران (۲۰۲۳)	تأثیر سهام‌داران نهادی بر حسابداری مدیریت از طریق اولویت دادن به پاسخ‌گویی استراتژیک و اعتماد به‌منظور کاهش تعارض‌های نمایندگی، افزایش شفافیت و به حداقل رساندن عدم تقارن اطلاعاتی در فرایندهای تصمیم‌گیری.

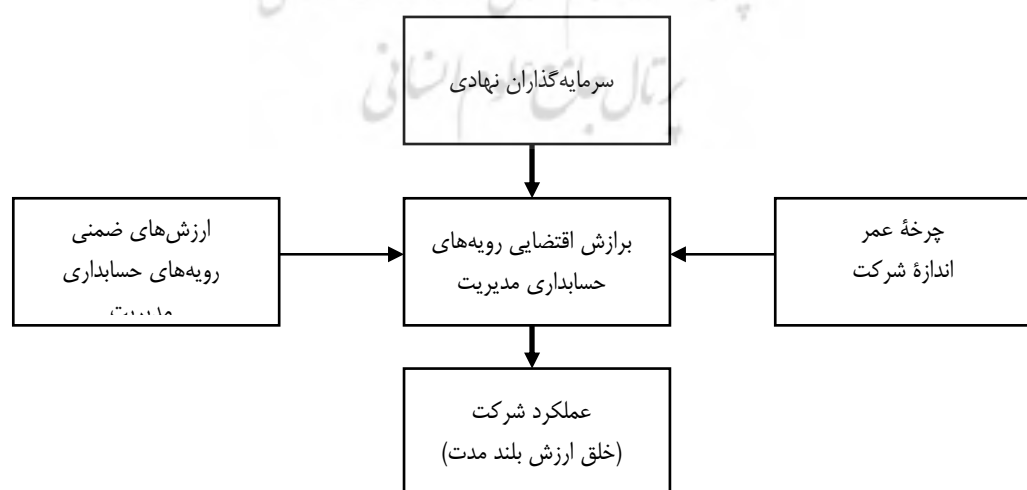
1. Huynh

2. Chung, Hur & Liu

3. Deng & Tu

نقدی بر پژوهش‌های پیشین

با توجه به بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه موضوع پژوهش که عمدتاً بر استفاده از رویکرد نظرسنجی تمرکز داشته‌اند، می‌توان دریافت که تاکنون پژوهش‌های انجام‌شده، بیشتر به شناسایی و بررسی عوامل و موانع مؤثر بر به‌کارگیری روش‌های حسابداری مدیریت به‌صورت مجزا (دهقان وردانی، ۱۳۹۸؛ یعقوبیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ سجادی، اثنی عشری و شاکری، ۱۴۰۲؛ عبدالقادر و لوتر، ۲۰۰۸؛ آروقی، ۲۰۲۰؛ ادو قیامفی و همکاران، ۲۰۲۰؛ نگوین و همکاران، ۲۰۲۳) یا بررسی ارتباط بین حسابداری مدیریت و کارایی و عملکرد شرکت‌ها پرداخته‌اند (دیانتی و همکاران، ۱۳۹۵؛ پاک‌مرام و رضایی، ۱۳۹۶؛ نخعی و همکاران، ۱۴۰۰؛ احمد، ۲۰۱۷؛ آسمیلیا و سوگیارتی، ۲۰۲۰؛ فورنلافاتراچاکورن و ناکالاسیندهو، ۲۰۲۰؛ داهال، ۲۰۲۰؛ بودی و همکاران، ۲۰۲۳). برخی از پژوهش‌ها نیز اثر سرمایه‌گذاران نهادی را بر به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت بررسی کرده‌اند (ابراهیمی کهریزسنگی و بخردی نسب، ۱۳۹۸؛ سحری و پورزمانی، ۱۴۰۱؛ بوشی و همکاران، ۲۰۱۴؛ دنگ و تو، ۲۰۲۲؛ گونزالز و همکاران، ۲۰۲۳). با این حال، در تمامی این پژوهش‌ها، از رویکرد نظرسنجی استفاده شده است که به‌طور طبیعی، به‌علت ماهیت این رویکرد، مشکلاتی مانند سوگیری بالقوه ناشی از نرخ پاسخ پایین و نظرهای ذهنی پاسخ‌دهندگان وجود دارد. از طرفی دیگر، بیش‌تر این پژوهش‌ها در بررسی روابط بین رویه‌های حسابداری مدیریت، عملکرد شرکت و سرمایه‌گذاران نهادی به عوامل اقتضایی توجه کافی نداشته‌اند که می‌تواند درک ما از تأثیر واقعی رویه‌های حسابداری مدیریت محدود سازد. برخلاف پژوهش‌های پیشین، این پژوهش با یک رویکرد کمی و بهره‌گیری از الگوی‌های اندازه‌گیری رویه‌های حسابداری مدیریت اقتباس‌شده از خرم‌دل، ناظمی و نمازی (۱۴۰۳) و وارد کردن عوامل اقتضایی، همچون چرخه عمر و اندازه شرکت، به‌دنبال تحلیل دقیق‌تر ارتباطات خواهد بود. این رویکرد این امکان را فراهم می‌سازد تا تصویری روشن‌تر از تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت‌ها و خلق ارزش بلندمدت و همچنین تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر این روابط ارائه شود. الگوی مفهومی پژوهش به صورت زیر است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر اقتضایی رویه‌های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت و همچنین بررسی نقش سرمایه‌گذاران نهادی در این رابطه است. به منظور سنجش رویه‌های حسابداری مدیریت از الگوی اندازه‌گیری ارائه شده در پژوهش خرم‌دل و همکاران (۱۴۰۳) به شرح جدول ۵ استفاده شده است.

جدول ۵. الگوی اندازه‌گیری متنی رویه‌های حسابداری مدیریت

ابعاد رویه‌های حسابداری مدیریت	الگوهای متنی معرف هر بُعد
بها	بهای تمام شده، کنترل هزینه، قیمت نهاده، هزینه نهایی، هزینه تمام شده، مدیریت هزینه، هزینه تولید، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، قیمت‌گذاری بر مبنای هدف، هزینه متغیر، بهای اولیه، افزایش درآمد و کاهش هزینه، افزایش تولید و کاهش هزینه، بهای اولیه، بهای تمام شده، مدیریت بهای تمام شده، عوامل بهای تمام شده، مدیریت هزینه و بهای تمام شده، روند فروش و بهای تمام شده، آنالیز بهای تمام شده، مدیریت هزینه‌ها و بهای تمام شده، بهینه‌سازی هزینه‌ها، پایش هزینه، چرخه عمر، چرخه عمر تکنولوژی، چرخه عمر محصول، رهبری هزینه، مدیریت و رهبری، سامان‌دهی هزینه‌ها، سیستم بهای تمام شده، قیمت نهاده، قیمت‌گذاری بر مبنای هدف، کاهش بهای تمام شده، کاهش هزینه انرژی، کنترل عملکرد هزینه‌ها، کنترل هزینه، مدیریت بهینه منابع، مدیریت بهینه منابع و مصارف، مدیریت بهینه منابع مالی، کنترل منابع، مدیریت قیمت تمام شده، کاهش قیمت تمام شده، مدیریت هزینه، مهندسی ارزش، نظام‌های نوین حسابداری مدیریت، هزینه تمام شده، کاهش هزینه تمام شده، هزینه تولید، هزینه‌های تولید، هزینه متغیر، هزینه نهایی، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت.
سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری در سهام، تأمین مالی، سرمایه‌گذاری مشترک، بهینه‌سازی، سرمایه‌گذاری مالی، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، تحصیل سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، تحصیل سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت، جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، نسبت‌های سرمایه‌گذاری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بهینه‌سازی، بهینه‌سازی تولید، بهینه‌سازی محصول، بهینه‌سازی کیفیت، بهینه‌سازی انرژی، بهینه‌سازی مصرف، تأمین مالی، توسعه تأمین مالی، تأمین منابع مالی، فعالیت‌های تأمین مالی، هزینه‌های تأمین مالی، سرمایه در گردش، تغییرات در سرمایه در گردش، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، سرمایه‌گذاری متمرکز، سرمایه‌گذاری مالی، سرمایه‌گذاری مشترک، سرمایه‌گذاری در سهام، سرمایه‌گذاری‌ها در اوراق بهادار.
بودجه	بودجه پیش‌بینی شده، بودجه شرکت، پیش‌بینی مالی، کسری بودجه، پیش‌بینی برنامه تولید، بودجه نقدی، بودجه‌بندی، بودجه‌بندی جامع، بودجه جامع، بودجه عملیاتی، بودجه تعدیلی، بودجه پیش‌بینی شده، برنامه‌های پیش‌بینی شده، بودجه تولید، پیش‌بینی برنامه تولید، بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه، بودجه سرمایه‌ای، بودجه شرکت، بودجه سال، اطلاعات بودجه، تولید پیش‌بینی، برنامه بودجه، مقایسه بودجه و عملکرد واقعی، بودجه سالانه، بودجه فروش، بودجه مصوب، تحقق بودجه، بودجه نقدی، بودجه‌بندی، پیش‌بینی سال مالی، پیش‌بینی بودجه، سود پیش‌بینی شده، جریان‌های نقدی پیش‌بینی شده، صورت سود و زیان بودجه‌ای، پیش‌بینی تولید، پیش‌بینی درآمد، پیش‌بینی سال، پیش‌بینی سال مالی، پیش‌بینی سود هر سهم، پیش‌بینی فروش، پیش‌بینی‌های درآمد، تقریب بودجه، فروش بودجه شده، کسری بودجه، گزارشگری بودجه
عملیات	ظرفیت تولید، آمار تولید، تکنولوژی تولید، تغییرات قیمت، نسبت‌های فعالیت، افزایش ظرفیت، بهبود محصولات، کاهش قیمت، ظرفیت اسمی، ظرفیت خالی، کانبان، کاهش ضایعات، کاهش سوخت و ضایعات، کایزن، TQM، JIT، ارتقای راندمان تولید، ارتقای بهره‌وری و راندمان تولید، افزایش راندمان تولید، افزایش ظرفیت، افزایش ظرفیت تولید، امکان‌سنجی تولید، آمار تولید، آمار تولید و فروش، برنامه تولید و فروش، آمار مقایسه‌ای تولید، برنامه‌ریزی و مدیریت تولید، برنامه‌ریزی تولید، برنامه‌ریزی و کنترل تولید، بهبود محصولات، بهبود کیفیت محصولات، بهبود مستمر، بهبود مستمر کیفی محصولات، بهبود مستمر و افزایش کیفیت محصولات، بهره‌وری تولید، افزایش بهره‌وری، بهره‌وری

ابعاد رویه‌های حسابداری مدیریت	الگوهای متنی معرف هر بُعد
	سرمایه، بهبود بهره‌وری، نرخ بهره‌وری، بهره‌وری انرژی، ارتقای بهره‌وری، بهره‌وری منابع، بهره‌وری در کار، تأمین پایدار، تولید پایدار، تضمین کیفیت، کنترل و تضمین کیفیت، تضمین و کنترل کیفیت، تعالی تولید و عملیات، تغییرات قیمت، درصد تغییرات قیمت، تکنولوژی تولید، توسعه محصولات جدید، تولید محصولات جدید، تولید ناب، ناب‌سازی فرایند، چابک‌سازی تولید، حاشیه ایمنی، دوره گردش عملیات، دوره گردش کالا، سیستم مدیریت یکپارچه، سیستم اطلاعات مدیریت، سیستم ایمنی و بهداشت شغلی، سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی، سیستم برنامه‌ریزی تولید، سیستم مدیریت انرژی، سیستم مدیریت زیست‌محیطی، شاخص ارزیابی کیفی محصول، شش سیگما، شناسایی و حذف اتلاف‌ها، کشتش قیمت، کنترل اثربخش، کنترل برنامه تولید و سفارش‌ها، کنترل عملیات، کنترل موجودی، گردش موجودی کالا، نسبت گردش موجودی کالا، مدیریت ارتباط با مشتریان، مدیریت تولید، مدیریت دانش، توسعه مدیریت دانش، مدیریت کسب‌وکار، مدیریت کیفیت، مدیریت کیفیت جامع، مدیریت نقدینگی، مدیریت جریان نقدینگی، مکانیزه کردن فرایندهای کسب‌وکار، مهندسی پایه، مهندسی دوباره محصول، مهندسی مجدد فرایندها، نسبت‌های فعالیت، نقطه سربه‌سر، فروش در نقطه سربه‌سر، نوآوری و توسعه محصول، ظرفیت تولید.
عملکرد	عملکرد مالی، عملکرد اجتماعی، وضعیت مالی، ارزش افزوده، نرخ بازده، عملکرد کارکنان، وضعیت معاملات، عملکرد واقعی، سهم بازار، نسبت‌های مالی، آموزش کارکنان، گزارش پایداری، ارزش افزوده، ترکیب ارزش افزوده، سهم سود از ارزش افزوده، ارزیابی عملکرد، ارزیابی عملکرد کارکنان، BSC، KPI، شاخص‌های استراتژیک (KPI)، انحراف‌ها، انحراف‌های خرید مواد اولیه، انحراف‌های مصرف مواد اولیه، آموزش کارکنان، آموزش مستمر کارکنان، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، بازده فروش، درصد بازده فروش، نسبت حاشیه فروش، نسبت بازده فروش، بازده مجموع دارایی‌ها، نسبت بازده مجموع دارایی‌ها، پایداری، پایداری شرکت، پایداری کیفیت، پایداری سود، پایداری در بازار، پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی، پایداری محیط‌زیست، پایداری زیست‌محیطی، پایداری مسئولیت اجتماعی، توانمندسازی کارکنان، توانمندسازی نیروی انسانی، توسعه و توانمندسازی نیروی انسانی، توانمندسازی سرمایه‌های انسانی، جایگاه شرکت در صنعت، جایگاه شرکت در بازار، جایزه تعالی سازمان، دوره وصول مطالبات، افزایش دوره وصول مطالبات، کاهش دوره وصول مطالبات، متوسط دوره وصول مطالبات، مدیریت وصول مطالبات، سهم بازار، سهم شرکت از بازار، افزایش سهم بازار، سهم بازار، محصول، شاخص‌های بهره‌وری تولید، شاخص‌های بهره‌وری، شاخص‌های عملکرد، شاخص‌های کلیدی عملکرد، عملکرد اجتماعی، گزارش عملکرد اجتماعی، عملکرد کارکنان، عملکرد مالی و اقتصادی، عملکرد واقعی، کارت ارزیابی متوازن، گردش حساب‌های دریافتی، گردش حساب‌های دریافتی، گزارش پایداری، مالیات عملکرد، مدیریت اثربخش بازار، مدیریت اثربخش نقدینگی، مدیریت اثربخش هزینه‌ها، مدیریت منابع انسانی، توسعه منابع انسانی، وضعیت منابع انسانی، نرخ بازده، نرخ بازده دارایی، نسبت آبی، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، نسبت پوشش هزینه بهره، نسبت پوشش هزینه‌های مالی، نسبت جاری، نسبت سریع، نسبت سود خالص به فروش، نسبت سود ناویژه به فروش، نسبت مالکانه، نسبت‌های اهرمی، نسبت‌های بدهی، نسبت‌های سودآوری، نسبت‌های مالی، نسبت‌های نقدینگی، نظام آموزش کارکنان، نظام آموزش و بهسازی کارکنان، نظام‌های نوین مدیریتی، وضعیت مالی، وضعیت معاملات، عملکرد مالی
استراتژی	نظام راهبری، راهبری شرکت، توسعه شرکت، برنامه‌های آینده شرکت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، حاکمیت شرکتی، زنجیره ارزش، راهبرد، اخلاق سازمانی، اخلاق و رفتار سازمانی، رعایت اخلاق حرفه‌ای و سازمانی، ارزش آفرینی، ارزش آفرینی برای سهام‌داران، ارزش آفرینی پایدار، ارزش آفرینی برای ذی‌نفعان، استراتژی توسعه و تمایز محصولات، استراتژی تمایز، استراتژی توسعه و رسوخ در بازار، توسعه و رسوخ در بازار، رسوخ و توسعه بازار، استراتژی رشد بهره‌وری، استراتژی بهره‌وری، رشد بهره‌وری، استراتژی رشد، استراتژی رهبری هزینه، استقرار نظام پایش، اهداف استراتژیک، تدوین اهداف استراتژیک، اهداف استراتژیک تدوین شده، اهداف مدیریت، بازگردانی، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه استراتژیک، برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، برنامه توسعه، برنامه‌ریزی و توسعه، برنامه طرح و توسعه شرکت، برنامه‌ریزی، برنامه‌های آینده شرکت، بهبود فرایندهای شرکت،

ابعاد رویه‌های حسابداری مدیریت	الگوهای متنی معرف هر بُعد
	بهبود فرایندهای تولید، بهبود فرایندهای داخلی، بهبود فرایندهای عملیاتی، بهبود فرایندهای زیست محیطی، تحلیل SWOT، تقویت زنجیره تأمین، تقویت نشان تجاری، تمرکز استراتژیک، تمرکز بر بازارهای هدف استراتژیک، توانمندسازی منابع انسانی، توسعه زنجیره تأمین، مدیریت زنجیره تأمین، توسعه زنجیره ارزش، توسعه زیرساخت، توسعه سبد محصولات، افزایش سبد محصولات، توسعه سرمایه‌های انسانی، توسعه سازمان و سرمایه انسانی، سرمایه‌های سازمانی، سرمایه‌های انسانی، مدیریت سرمایه‌های انسانی، توسعه سهم بازار، توسعه بازار، توسعه شرکت، توسعه ظرفیت‌های تولید، توسعه کسب‌وکار، نوآوری و توسعه کسب‌وکار، توسعه مدیریت زنجیره تأمین، مدیریت بهینه زنجیره تأمین، توسعه مدیریت فناوری، کمیته مدیریت فناوری، مدیریت فناوری تولید محصولات، توسعه یادگیری سازمان، چابک‌سازی سازمان، چشم‌انداز، تحقق چشم‌انداز، برنامه‌ها و چشم‌انداز وضعیت شرکت، حاکمیت شرکتی، اصول حاکمیت شرکتی، دستورالعمل حاکمیت شرکتی، نظام حاکمیت شرکتی، خلق ارزش، خلق ارزش از داده‌ها، خلق ارزش پایدار برای سهام‌داران، راهبرد، راهبری شرکت، نظام راهبری شرکت، ساختار راهبری شرکت، رعایت حقوق ذی‌نفعان، زنجیره ارزش، مدیریت زنجیره ارزش، بهبود وضعیت زنجیره تأمین، فرصت‌ها و تهدیدها، فرهنگ سازمانی، ارتقای فرهنگ سازمانی، توسعه فرهنگ سازمانی، الگو شایستگی سطوح مدیریت، مدیریت استراتژیک، حوزه مدیریت استراتژیک، استراتژی توسعه سیستم مدیریت اطلاعات، مدیریت برند، توسعه برند، مسئولیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشتری‌مداری، نظام آراستگی محیط کار، نوآوری در کسب‌وکار، پیشرو بودن و نوآوری در کسب‌وکار، نظام راهبری شرکت.
ریسک	تجزیه و تحلیل ریسک، ریسک نوسان‌های نرخ بهره، ریسک کیفیت محصولات، ریسک نوسان‌های نرخ ارز، ریسک قیمت نهاده‌های تولید، ریسک عوامل بین‌المللی و مقررات دولتی، شناسایی ریسک، ریسک سیاسی، کمیته ریسک، تجزیه و تحلیل ریسک، تجزیه و تحلیل ریسک‌های سرمایه‌گذاری، تجزیه و تحلیل ریسک ترازنامه، ردیابی ریسک، ریسک عدم پرداخت مطالبات در سررسید معین، ریسک ورود رقبای جدید، ریسک ایمنی، ریسک پروژه، ریسک تأمین نهاده‌های تولیدی، ریسک تغییر قوانین، ریسک قوانین، ریسک تولید، ریسک کاهش قیمت محصولات، ریسک قیمت محصولات، ریسک گزارش حسابرس، ریسک گزارشگری، ریسک منابع انسانی، ریسک استراتژیک، ریسک اعتباری، ریسک اقبال مشتریان به محصولات جایگزین، ریسک انطباق، ریسک بازار، ریسک بازار فروش محصولات، ریسک تأمین مواد اولیه، ریسک مواد اولیه، ریسک تجاری، ریسک تحریم‌های ظالمانه، ریسک تغییر قیمت‌ها، ریسک رکود اقتصادی، ریسک سودآوری، ریسک سیاسی، ریسک سیاسی و قانونی، ریسک صنعت، ریسک عملیاتی، ریسک عوامل بین‌المللی و مقررات دولتی، ریسک فروش محصولات، ریسک کاهش نرخ فروش محصولات، ریسک قیمت حامل‌های انرژی، ریسک افزایش نرخ حامل‌های انرژی، ریسک قیمت نهاده‌های تولید، ریسک کیفیت محصولات، ریسک مالی، ریسک نرخ بهره، ریسک نرخ تورم، ریسک تورم، ریسک نقدینگی، ریسک نوسان‌های نرخ ارز، ریسک نوسانات نرخ بهره، ریسک ورشکستگی، ریسک وصول مطالبات، شاخص‌های کلیدی ریسک، شناسایی ریسک، کمیته ریسک، کمیته مدیریت ریسک، کنترل ریسک، مدیریت ریسک، مدیریت ریسک کسب‌وکار، مدیریت ریسک ارز

به پیروی از پژوهش کیو، هو، لیانگ و داو^۱ (۲۰۲۳) از الگوی ایدئال تناسب، برای اعمال اثر اقتصادی مراحل چرخه عمر شرکت بر رویه‌های حسابداری مدیریت استفاده می‌شود. در الگوی ایدئال تناسب به هر بُعد از رویه‌های حسابداری مدیریت یکی از سه مقدار ۰ (کم)، ۰/۵ (متوسط) و ۱ (زیاد) تخصیص داده شده است. در جدول ۶ الگوی ایدئال رویه‌های حسابداری مدیریت در مراحل چرخه عمر ارائه شده است.

جدول ۶. الگوی ایدئال رویه‌های حسابداری مدیریت در مراحل چرخه عمر

ابعاد	تولد	رشد	بلوغ	افول	رکود
بها	کم (۰)	متوسط (۰/۵)	زیاد (۱)	کم (۰)	زیاد (۱)
سرمایه‌گذاری	کم (۰)	زیاد (۱)	متوسط (۰/۵)	زیاد (۱)	کم (۰)
بودجه	کم (۰)	زیاد (۱)	متوسط (۰/۵)	متوسط (۰/۵)	کم (۰)
عملیات	کم (۰)	زیاد (۱)	زیاد (۱)	کم (۰)	کم (۰)
عملکرد	کم (۰)	زیاد (۱)	متوسط (۰/۵)	متوسط (۰/۵)	کم (۰)
استراتژی	زیاد (۱)	متوسط (۰/۵)	متوسط (۰/۵)	زیاد (۱)	کم (۰)
ریسک	کم (۰)	زیاد (۱)	متوسط (۰/۵)	زیاد (۱)	کم (۰)

مقادیر ایدئال در جدول ۶ با توجه به مراحل چرخه عمر شرکت تعریف شده است. برای مثال، برای شرکت‌هایی که در مرحله افول هستند، می‌توان از بردار $[۰، ۱، ۰/۵، ۰، ۰/۵، ۱، ۱]$ برای نشان دادن مقادیر فرضی رویه‌های حسابداری مدیریت به شکل [بها، سرمایه‌گذاری، بودجه، عملیات، عملکرد، استراتژی، ریسک] استفاده کرد که در آن تقاضاها برای فعالیت‌های استراتژی، مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری بالا، برای عملکرد و بودجه متوسط، و برای ابعاد بها و عملیات پایین است.

برای به‌دست آوردن رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته با عامل اقتضایی مراحل چرخه عمر شرکت، از شاخص شباهت کسینوسی زیر استفاده می‌شود (کیو و همکاران، ۲۰۲۳).

$$Fit_{i,t} = \frac{\sum_{n=1}^7 (X_{i,n,t} * y_{i,n,t})}{\sqrt{\sum_{n=1}^7 X_{i,n,t}^2} * \sqrt{\sum_{n=1}^7 y_{i,n,t}^2}} \quad \text{رابطه ۱}$$

در این رابطه، $Fit_{i,t}$ نشان‌دهنده ارزش تناسب اقتضایی برای شرکت i در سال t است. $X_{i,n,t}$ مقدار متنی n امین رویه حسابداری مدیریت برای شرکت i در سال t را نشان می‌دهد و $Y_{i,n,t}$ مقدار نظری پیشنهادشده برای n امین رویه حسابداری مدیریت برای شرکت i در سال t را نشان می‌دهد.

این رابطه نشان می‌دهد که چگونه شاخص تناسب بین رویه‌های حسابداری مدیریت واقعی و الگوهای ایدئال با استفاده از شباهت کسینوسی محاسبه می‌شود. هرچه مقدار کسینوسی نزدیک به ۱ باشد، شباهت بین الگوی واقعی و ایدئال بیشتر و تناسب بهتر است.

بعد از اعمال اثر مراحل چرخه عمر در رویه‌های حسابداری مدیریت، نوبت به عامل اقتضایی دوم، یعنی اندازه شرکت می‌رسد. به‌منظور در نظر گرفتن این عامل، رویه‌های حسابداری مدیریت در مقیاس اندازه شرکت، یکنواخت می‌شود و این‌گونه رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته به‌دست می‌آید.

به‌منظور بررسی دقیق‌تر اثر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته بر عملکرد آتی شرکت در درازمدت، از متغیر تعاملی حاصل ضرب رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته در عملکرد فعلی شرکت استفاده می‌شود. استفاده از متغیر

تعاملی به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا تأثیر متغیر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته بر روی عملکرد آتی شرکت در درازمدت در همه شرایط یکسان است یا خیر؟ افزون‌براین نشان می‌دهد که اثر یک متغیر مستقل (رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته) روی متغیر وابسته (عملکرد آتی شرکت) تا چه تحت تأثیر متغیر مستقل دیگری (عملکرد فعلی شرکت) قرار دارد.

به‌منظور بررسی اثر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته بر عملکرد شرکت و خلق ارزش بلندمدت، از رابطه‌های ۲، ۳ و ۴ استفاده می‌شود.

$$ROA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FitinSize_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Growth_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{رابطه ۲})$$

$$ROA_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 FitinSize_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 FitinSize_{i,t} \times ROA_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{رابطه ۳})$$

$$ROA_{i,t+2} = \beta_0 + \beta_1 FitinSize_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 FitinSize_{i,t} \times ROA_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{رابطه ۴})$$

ROA_t عملکرد سال جاری؛ $FitinSize$ رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته؛ Lev اهرم مالی؛ $Growth$ رشد درآمد؛ Age سن شرکت؛ ROA_{t+1} عملکرد سال بعد؛ ROA_{t+2} عملکرد دو سال بعد؛ β_1 تا β_6 ضرایب و ε_{it} خطای الگو است.

پس از بررسی رابطه بین رویه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت، نقش سرمایه‌گذاران نهادی در تعیین تناسب بررسی می‌شود. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران نهادی در فعالیت‌های رأی‌گیری و نظارتی فعال‌تر از سرمایه‌گذاران فردی هستند و به دانش پیشرفته و حرفه‌ای بیشتری مجهزند، یک رابطه معنادار بین سرمایه‌گذاران نهادی و رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته (اقتضایی) انتظار می‌رود.

به‌منظور بررسی اثر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته، از رابطه ۵ استفاده می‌شود.

$$FitinSize_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 IO_{i,t} + \beta_2 Top1shareholder_{i,t} + \beta_3 Ownership.Con_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{رابطه ۵})$$

که در آن، $FitinSize$ رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته؛ IO سرمایه‌گذاران نهادی؛ $Top1shareholder$ سرمایه‌گذار نهادی برتر، $Ownership.Con$ تمرکز مالکیت، β_1 تا β_3 ضرایب و ε_{it} خطای الگو است.

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، سعی بر آن است تا به بررسی اثر مراحل چرخه عمر و اندازه شرکت، به‌عنوان متغیرهای اقتضایی بر به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت و متعاقباً اثر آن بر عملکرد شرکت و خلق ارزش بلندمدت و همچنین اثر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت پرداخته شود؛ از این رو کلیه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی پژوهش که در الگوهای رگرسیون مختلف در این پژوهش حضور دارند و نحوه محاسبه هر یک از آنان به شرح جدول ۷ است:

جدول ۷. نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش

نام اختصاری متغیر	نام کامل متغیر	روش محاسبه
Lifecycle	چرخه عمر	برای محاسبه این متغیر از الگوی جریان نقد دیکنسون^۱ (۲۰۱۱) استفاده می‌شود. استدلال این الگو بر آن است که جریان‌های نقد تفاوت در سوددهی، رشد و ریسک شرکت را نشان می‌دهد بنابراین برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت که شامل تولد، رشد، بلوغ، افول و رکود می‌شود، می‌توان از جریان‌های نقد مربوط به فعالیت‌های عملیاتی (CFO)، سرمایه‌گذاری (CFI) و تأمین مالی (CFF) استفاده کرد: ۱. اگر $CFF > 0$ و $CFI < 0$، $CFO < 0$ باشد، شرکت در مرحله تولد قرار دارد. ۲. اگر $CFF > 0$ و $CFI < 0$، $CFO > 0$ باشد، شرکت در مرحله رشد قرار دارد. ۳. اگر $CFF < 0$ و $CFI < 0$، $CFO > 0$ باشد، شرکت در مرحله بلوغ قرار دارد. ۴. اگر $CFF < 0$ و $CFI > 0$، $CFO < 0$ یا $CFF \geq 0$ باشد، شرکت در مرحله افول قرار دارد. ۵. شرکت‌هایی که در هیچ‌یک از طبقات بالا قرار نگیرند، در مرحله رکود قرار دارند.
ROA _{it}	عملکرد سال جاری	بازده دارایی‌ها از تقسیم سود یا زیان خالص شرکت بر مجموع دارایی‌ها به‌دست می‌آید که این متغیر به‌عنوان معیار عملکرد شرکت محسوب می‌شود.
ROA _{t+1}	عملکرد سال بعد	تقسیم سود یا زیان خالص یک سال بعد شرکت بر مجموع دارایی‌های یک سال بعد.
ROA _{t+2}	عملکرد دو سال بعد	تقسیم سود یا زیان خالص دو سال بعد شرکت بر مجموع دارایی‌های دو سال بعد.
FitinSize	رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته	تقسیم رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته با مراحل چرخه بر اندازه شرکت.
Size	اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی مجموع درآمد (فروش).
Lev	اهرم مالی	نسبت کل بدهی‌های شرکت به کل دارایی‌های شرکت (فرجی، اسدی و خداکرمی، ۱۴۰۳).
Growth	رشد درآمد	درصد تغییرات درآمد امسال نسبت به سال قبل.
Age	سن شرکت	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت در بورس اوراق بهادار تهران.
IO	سرمایه‌گذاران نهادی	طبق بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار، سرمایه‌گذار نهادی عبارت‌اند از: ۱. بانک‌ها و بیمه‌ها؛ ۲. هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار؛ ۳. هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند؛ ۴. سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی؛ ۵. شرکت‌های دولتی؛ ۶. اعضای هیئت مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند؛ با بررسی یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی از سهام شرکت محاسبه می‌شود.
Top1shareholder	سرمایه‌گذار نهادی برتر	به پیروی از پژوهش کیو و همکاران (۲۰۲۳) از بزرگ‌ترین درصد مالکیت سهام متعلق به سهام‌دار نهادی در شرکت به دست می‌آید.
Ownership.Con	تمرکز مالکیت	به پیروی از پژوهش کیو و همکاران (۲۰۲۳) از مجذور درصد سهام‌های متعلق به سه سهام‌دار نهادی با بالاترین درصدهای مالکیت به‌دست می‌آید.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که طی دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ در بورس فعال بوده‌اند. از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کلیه شرکت‌های حائز شرایط زیر صرف‌نظر از نوع فعالیت به‌عنوان نمونه انتخاب شده است:

۱. پایان سال مالی آن‌ها اسفند ماه باشد.
 ۲. طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ تغییر سال مالی و توقف عملیات نداشته باشند.
 ۳. جزء بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری مالی و هلدینگ نباشد (به‌دلیل ویژگی‌های خاص آن‌ها).
 ۴. داده‌های موردنظر آن‌ها برای انجام محاسبات در دسترس باشد.
- با توجه به محدودیت‌های فوق، از میان تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۷۵ شرکت به مدت ۱۰ سال و در مجموع ۱۷۵۰ سال - شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

پیش از انجام برآزش، به‌منظور ارائه توصیف دقیق‌تری از وضعیت شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر، گزارشی از تعداد شرکت‌ها در هر مرحله از چرخه عمر به شرح جدول ۸ ارائه می‌شود.

جدول ۸. وضعیت شرکت‌ها از نظر قرار گرفتن در مراحل چرخه عمر

تعداد شرکت‌ها	مراحل چرخه عمر
۱۳۸	مرحله تولد
۱۸۸	مرحله رشد
۱۰۱۰	مرحله بلوغ
۱۲۲	مرحله افول
۲۹۲	مرحله رکود
۱۷۵۰	جمع

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که بیش از نیمی از شرکت‌ها در مرحله بلوغ چرخه عمر خود قرار دارند، اگرچه این موضوع تأثیر خاصی بر نتایج نهایی نخواهد داشت. دلیل این امر آن است که متعاقباً هر شرکت، با توجه به مراحل چرخه عمر خود، با یک ضریب ویژه از الگو ایدئال تناسب تطبیق می‌یابد. این رویکرد باعث می‌شود که نه تنها رویه‌های حسابداری مدیریت با عامل اقتضایی چرخه عمر تطبیق یابد، بلکه تفاوت‌های ناشی از توزیع نامتوازن شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر تعدیل شود و نتایج نهایی به‌صورت منصفانه و دقیق منعکس‌کننده اثرهای واقعی باشد. بنابراین، نگرانی‌ای از بابت تمرکز بیشتر شرکت‌ها در مرحله بلوغ وجود ندارد؛ زیرا روش اعمال شده این تفاوت‌ها را به‌طور مناسب مدنظر قرار می‌دهد.

افزون‌براین، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۹ ارائه می‌شود.

جدول ۹. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشی‌دگی
رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق یافته	۰/۰۹۲۴	۰/۱۰۰۷	۰/۱۹۷۲	۰	۰/۰۳۸۲	۰/۷۱۰۰	۲/۷۱۵	
بازده دارایی‌ها در زمان t	۰/۱۶۵۵	۰/۱۳۵۸	۰/۷۶۴۹	۰/۵۶۲۹	۰/۱۶۲۹	۰/۵۲۷۱	۳/۶۸۵	
بازده دارایی‌ها در زمان t+۱	۰/۱۶۴۱	۰/۱۳۲۷	۰/۷۶۴۹	۰/۵۶۲۹	۰/۱۶۳۱	۰/۵۲۶	۳/۷۲۸	
بازده دارایی‌ها در زمان t+۲	۰/۱۶۸۶	۰/۱۳۷۲	۰/۷۶۴۹	۰/۵۶۲۹	۰/۱۶۶۴	۰/۴۷۹۷	۳/۶۴۴	
رشد فروش	۰/۴۵۵۴	۰/۳۲۴۷	۵۶/۰۵۹۲	-۱	۱/۵۳۳۱	۲۸/۴۸۹	۱۰۰۰۱/۳۵	
اهرم مالی	۰/۵۳۹۴	۰/۵۳۴۱	۱/۸۷۴۵	۰/۰۲۵۹	۰/۲۱۵۶	۰/۴۳۸	۴/۶۱۲	
سن شرکت	۱/۲۲۴۱	۱/۲۷۸۸	۱/۷۴۸۲	۰	۰/۳۰۲۶	-۱/۹۳۹	۸/۱۹۲	
سرمایه‌گذاران نهادی	۰/۷۳۴۳	۰/۷۶۹۰	۱	۰/۰۳۱۸	۰/۱۸۲۱	-۱/۱۰۶۱	۴/۱۲۷۷	
سرمایه‌گذار نهادی برتر	۰/۵۱۱۶	۰/۵۱۰۰	۱	۰/۰۱۵۶	۰/۲۰۰۹	۰/۰۶۷۶	۲/۶۰۴۳	
تمرکز مالکیت	۰/۵۱۸۱	۰/۵۱۸۶	۱	۰/۰۰۱۰	۰/۲۳۵۷	-۰/۱۳۸۰	۲/۳۳۹۵	

آمار استنباطی

در این پژوهش پیش از انجام برازش نهایی رابطه‌های رگرسیونی از آزمون لوین، لین و چو برای سنجش ریشه واحد (مانایی) متغیرهای پژوهش، از آزمون نسبت درست‌نمایی برای بررسی همسانی واریانس، از آزمون لیمر - چاو (اف لیمر) به‌منظور انتخاب بین روش داده‌های ترکیبی در برآورد الگوی پژوهش و از آزمون هاسمن به‌منظور تشخیص اثرهای ثابت و تصادفی استفاده شده است.

نتایج نهایی برازش رابطه‌های رگرسیونی ۲، ۳ و ۴ (پرسش دوم پژوهش) در شرح جدول ۱۰ و همچنین نتایج رابطه رگرسیونی ۵ (پرسش سوم پژوهش) در جدول ۱۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱۰. نتایج نهایی برازش رابطه‌های رگرسیونی ۲، ۳ و ۴

رابطه ۴	رابطه ۳	رابطه ۲	
بازده دارایی‌ها در زمان t+۲	بازده دارایی‌ها در زمان t+۱	بازده دارایی‌ها در زمان t	
*۰/۲۱۶ (۰/۰۵۶۲)	*۰/۰۷۶ (۰/۰۷۳۳)	**۰/۱۲۴ (۰/۰۴۸۰)	رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق یافته
***۰/۳۳۰ (۰/۰۰۰)	***۰/۸۱۳ (۰/۰۰۰)		بازده دارایی‌ها در زمان t
*۰/۰۹۳۵ (۰/۰۶۹۲)	-۰/۲۴۵ (۰/۰۴۸۵)		رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق یافته × بازده دارایی‌ها در زمان t
*۰/۰۵۲ (۰/۰۵۲۹)	**۰/۰۲۶۵ (۰/۰۱۷۵)	***۰/۴۱۱ (۰/۰۰۰)	اهرم مالی
-۰/۰۰۰۵ (۰/۰۸۶۸۸)	***۰/۰۰۰۳ (۰/۰۰۰)	***۰/۰۰۰۸ (۰/۰۰۰۳۹)	رشد فروش

رابطه ۴	رابطه ۳	رابطه ۲	
بازده دارایی‌ها در زمان $t+2$	بازده دارایی‌ها در زمان $t+1$	بازده دارایی‌ها در زمان t	
سن ۰/۰۵۱۶ ^{**} (۰/۰۱۱۹)	۰/۰۰۱۳ (۰/۰۸۶۰۵)	۰/۳۶۴۸ ^{***} (۰/۰۰۰)	
مقدار ثابت ۰/۰۸۳ ^{**} (۰/۰۱۶۳)	۰/۰۳۶ ^{**} (۰/۰۲۸۹)	-۰/۰۶۵ (۰/۰۲۱۷۸)	
ضریب R^2 ۰/۵۴۶	۰/۶۸۰	۰/۷۴۹	
آماره F ۹/۲۰۴ (۰/۰۰۰)	۵۵۵/۶۰۰ (۰/۰۰۰)	۲۳/۳۶۵ (۰/۰۰۰)	
آماره دوربین - واتسون ۱/۸۸۱	۲/۰۱۹	۲/۰۱۳	
رابطه ۲ $ROA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FitinSize_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Growth_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$			
رابطه ۳ $ROA_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 FitinSize_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 FitinSize_{i,t} \times ROA_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$			
رابطه ۴ $ROA_{i,t+2} = \beta_0 + \beta_1 FitinSize_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 FitinSize_{i,t} \times ROA_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$			
* تأیید شده در سطح احتمال ۹۰ درصد؛ ** در سطح احتمال ۹۵ درصد؛ *** در سطح احتمال ۹۹ درصد			

ستون دوم در جدول ۱۰ تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته را بر عملکرد فعلی شرکت می‌سنجد: ضریب منفی و معنادار رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته (با ضریب -۰/۱۲۴ و p-value به مقدار ۰/۰۴۸۰) در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که با افزایش میزان تطبیق رویه‌های حسابداری مدیریت با محیط کسب‌وکار، عملکرد فعلی شرکت (بازده دارایی‌ها) کاهش می‌یابد. این نتیجه ممکن است به دلیل هزینه‌های بالای تطبیق یا عوامل دیگری باشد که در الگو در نظر گرفته نشده‌اند.

ضریب منفی و معنادار اهرم مالی (با ضریب -۰/۴۱۱ و p-value به مقدار ۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد که با افزایش استفاده از اهرم مالی، عملکرد فعلی شرکت (بازده دارایی‌ها) کاهش می‌یابد. این نتیجه منطقی است؛ زیرا اهرم مالی می‌تواند موجب افزایش ریسک شود. با افزایش بدهی، هزینه‌های ثابت مالی شرکت نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه، در صورت کاهش درآمد یا افزایش نرخ بهره، توانایی شرکت برای پرداخت بدهی‌ها کاهش می‌یابد و این می‌تواند به مشکلات مالی جدی منجر شود.

ضریب مثبت و معنادار رشد فروش (با ضریب ۰/۰۰۸ و p-value به مقدار ۰/۰۰۳۹) در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد که با افزایش نرخ رشد فروش، عملکرد فعلی شرکت (بازده دارایی‌ها) افزایش می‌یابد. این نتیجه منطقی است؛ زیرا شرکت‌هایی که رشد فروش بالایی دارند، معمولاً سودآوری بیشتری نیز دارند.

ضریب مثبت و معنادار سن شرکت (با ضریب ۰/۳۶۴۸ و p-value به مقدار ۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد که با افزایش سن شرکت، عملکرد فعلی شرکت (بازده دارایی‌ها) افزایش می‌یابد. این نتیجه ممکن است به

این دلیل باشد که شرکت‌های با سن بیشتر، معمولاً تجربه و دانش بیشتری در بازار دارند و می‌توانند از این دانش برای بهبود تصمیم‌گیری‌ها و افزایش بهره‌وری استفاده کنند.

مقدار ثابت در الگوی رگرسیونی به عنوان مقدار پیش‌بینی شده متغیر وابسته زمانی که تمام متغیرهای مستقل برابر با صفر هستند، تفسیر می‌شود. معنادار نبودن مقدار ثابت (با ضریب $-0/065$ و p -value به مقدار $0/2178$) به این معناست که مقدار ثابت بر مقدار عملکرد فعلی شرکت تأثیر چندانی ندارد و احتمالاً می‌تواند حذف شود. با این حال، در بسیاری از موارد، وجود مقدار ثابت در الگو ضروری است؛ زیرا به جلوگیری از اریبی در تخمین‌ها کمک می‌کند. در این حالت، حتی اگر ثابت معنادار نباشد، معمولاً به معنای مشکلی جدی در الگو نیست. به طور کلی، معنادار نبودن مقدار ثابت، لزوماً به معنای مشکل داشتن الگو نیست و می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که سایر متغیرها، به خوبی توانسته‌اند تغییرات عملکرد فعلی شرکت را توضیح دهند.

ضریب R^2 نشان می‌دهد که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته توسط الگو توضیح داده می‌شود. در این الگو، مقدار بالای R^2 (ضریب R^2 به مقدار $0/749$) نشان می‌دهد الگو توانایی خوبی در توضیح تغییرات عملکرد شرکت دارد. به عبارت دیگر، $74/9$ درصد از تغییرات در متغیر وابسته (عملکرد فعلی شرکت) توسط متغیر مستقل (رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته) و متغیرهای کنترلی (اهرم مالی، رشد فروش، سن شرکت) تبیین می‌شود.

آماره F نشان می‌دهد که آیا حداقل یکی از متغیرهای مستقل به طور معناداری بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد یا خیر. در این الگو، مقدار آماره F ، $23/365$ و سطح معناداری آن بسیار پایین است که نشان می‌دهد الگو به طور کلی معنادار است.

از آزمون دوربین - واتسون جهت تشخیص خودهم‌بستگی اجزای اخلاص رگرسیون استفاده می‌شود و زمانی که آماره آن در حدود $1/5$ تا $2/5$ باشد، معرف آن است که خودهم‌بستگی وجود ندارد. بنابراین با توجه به مقدار آماره دوربین - واتسون که برابر با $2/013$ است، وجود خودهم‌بستگی پی‌درپی در اجزای اخلاص رگرسیون رد می‌شود.

ستون سوم در جدول ۶ تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته را بر عملکرد یک سال بعد شرکت با حضور متغیر تعاملی حاصل ضرب رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته در عملکرد سال جاری می‌سنجد:

ضریب مثبت و معنادار رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته (با ضریب $0/076$ و p -value به مقدار $0/0733$) در سطح اطمینان 90 درصد نشان می‌دهد که به طور کلی، رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته تأثیر مثبتی بر عملکرد سال بعد دارند.

ضریب مثبت و معنادار عملکرد فعلی شرکت (با ضریب $0/813$ و p -value به مقدار $0/000$) در سطح اطمینان 99 درصد نشان می‌دهد که عملکرد سال جاری تأثیر بسیار قوی و مثبتی بر عملکرد سال بعد دارد.

ضریب متغیر تعاملی حاصل ضرب رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته در عملکرد سال جاری معنادار نشده است. عدم معناداری متغیر تعاملی به این معناست که شواهد آماری کافی برای تأیید وجود یک اثر متقابل قوی بین رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته و عملکرد سال جاری بر روی عملکرد سال آینده وجود ندارد. به عبارت ساده‌تر، هر دو متغیر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته و عملکرد سال جاری به طور جداگانه بر عملکرد سال آینده

تأثیرگذارند؛ اما این تأثیر به صورت مستقل از هم عمل می‌کند و افزایش یا کاهش هم‌زمان هر دو متغیر، لزوماً موجب تقویت یا تضعیف اثر آن‌ها بر عملکرد سال آینده نمی‌شود.

ضریب منفی و معنادار اهرم مالی (با ضریب -0.0265 و p -value به مقدار 0.0175) در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که با افزایش استفاده از اهرم مالی، عملکرد سال آینده شرکت (بازده دارایی‌ها) کاهش می‌یابد. این نتیجه منطقی است؛ زیرا همان طور که پیش از این گفته شد، اهرم مالی می‌تواند موجب افزایش ریسک و کاهش عملکرد شود. ضریب منفی و معنادار رشد فروش (با ضریب -0.0003 و p -value به مقدار 0.0000) در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد که با افزایش نرخ رشد فروش، عملکرد سال آینده شرکت (بازده دارایی‌ها) کاهش می‌یابد. اینکه رشد فروش امسال اثر منفی و معناداری بر عملکرد آتی شرکت داشته باشد، در نگاه اول کمی متناقض به نظر می‌رسد؛ زیرا معمولاً انتظار می‌رود که افزایش فروش، به بهبود عملکرد منجر شود؛ اما دلایل احتمالی مختلفی می‌تواند برای این نتیجه وجود داشته باشد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. رشد کاذب؛ ۲. عدم تناسب هزینه‌ها با فروش؛ ۳. مشکلات در زنجیره تأمین.

ضریب سن شرکت در الگو معنادار نشده است. عدم معناداری متغیر سن شرکت به این معنا نیست که سن شرکت هیچ تأثیری بر عملکرد شرکت ندارد؛ بلکه به این معناست که با توجه به داده‌ها و الگو مورد استفاده، این رابطه به اندازه کافی قوی نیست تا بتوان آن را به صورت آماری تأیید کرد.

معنادار بودن آماری مقدار ثابت در این الگو (با ضریب 0.036 و p -value به مقدار 0.0289) به این معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که این مقدار پایه به‌طور معناداری از صفر متفاوت است. به زبان ساده‌تر، نشان می‌دهد که حتی زمانی که هیچ کدام از متغیرهای مستقل تأثیری نداشته باشند، متغیر وابسته همچنان مقداری غیر صفر دارد.

همان طور که پیش از این گفته شد مقدار بالای R^2 (ضریب R^2 به مقدار 0.680) نشان می‌دهد الگو توانایی خوبی در توضیح تغییرات عملکرد شرکت دارد. در این الگو، مقدار بالای آماره F ، $555/600$ و سطح معناداری آن بسیار پایین است که نشان می‌دهد الگو به‌طور کلی معنادار است.

مقدار آماره دوربین – واتسون برابر با $2/019$ است و در محدوده $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد، وجود خودهم‌بستگی پی‌درپی در اجزای اخلاص رگرسیون رد می‌شود.

ستون چهارم در جدول ۱۰ تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته را بر عملکرد دو سال بعد شرکت با حضور متغیر تعاملی حاصل ضرب رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته در عملکرد سال جاری می‌سنجد:

ضریب مثبت و معنادار رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته (با ضریب 0.216 و p -value به مقدار 0.0562) در سطح اطمینان ۹۰ درصد نشان می‌دهد که به‌طور کلی، رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته تأثیر مثبتی بر عملکرد دو سال بعد شرکت دارند.

ضریب مثبت و معنادار عملکرد فعلی شرکت (با ضریب $0/330$ و p -value به مقدار $0/000$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد که عملکرد سال جاری تأثیر بسیار قوی و مثبتی بر عملکرد دو سال بعد شرکت دارد.

ضریب منفی و معنادار متغیر تعاملی حاصل ضرب رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته در عملکرد سال جاری (با ضریب $-0/935$ و p -value به مقدار $0/0692$) در سطح اطمینان ۹۰ درصد نشان می‌دهد که تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته بر عملکرد دو سال آینده به سطح عملکرد سال جاری وابسته است. به عبارت دیگر، رابطه بین رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته و عملکرد دو سال آینده در سطوح مختلف عملکرد سال جاری متفاوت است. افزون‌براین، ضریب منفی و معنادار آماری متغیر تعاملی نشان می‌دهد که با افزایش هم‌زمان رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته و عملکرد سال جاری، تأثیر مثبت رویه‌های حسابداری بر عملکرد دو سال آینده کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، در شرکت‌هایی که هم رویه‌های حسابداری مدیریت قوی‌تری دارند و هم عملکرد سال جاری بهتری دارند، اثر تقویت‌کنندگی رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد آتی کمتر است. این امر می‌تواند به این معنا باشد که شرکت‌هایی که عملکرد بالایی دارند، ممکن است به اندازه شرکت‌هایی که عملکرد پایین‌تری دارند، از بهبود رویه‌های حسابداری مدیریت بهره‌مند نشوند.

ضریب منفی و معنادار اهرم مالی (با ضریب $-0/052$ و p -value به مقدار $0/0529$) در سطح اطمینان ۹۰ درصد نشان می‌دهد که با افزایش استفاده از اهرم مالی، عملکرد دو سال آینده شرکت (بازده دارایی‌ها) کاهش می‌یابد.

ضریب رشد فروش شرکت در الگو معنادار نشده است. عدم معناداری ضریب رشد فروش شرکت در الگو پیش‌بینی عملکرد دو سال آتی، لزوماً به معنای عدم وجود رابطه بین این دو متغیر نیست. ممکن است دلایل مختلفی برای این موضوع وجود داشته باشد که با بررسی دقیق الگو، داده‌ها و عوامل خارجی بتوان به دلایل اصلی پی برد.

ضریب مثبت و معنادار سن شرکت (با ضریب $0/0516$ و p -value به مقدار $0/0119$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که با افزایش سن شرکت، عملکرد دو سال آینده شرکت (بازده دارایی‌ها) افزایش می‌یابد.

همان‌طور که پیش از این گفته شد معنادار بودن آماری مقدار ثابت در این الگو (با ضریب $0/0830$ و p -value به مقدار $0/0163$) به این معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که این مقدار پایه به‌طور معناداری از صفر متفاوت است و حتی زمانی که هیچ‌کدام از متغیرهای مستقل تأثیری نداشته باشند، متغیر وابسته همچنان مقداری غیر صفر دارد.

در این الگو، مقدار R^2 (ضریب R^2 به مقدار $0/546$) نشان می‌دهد الگو توانایی خوبی در توضیح تغییرات عملکرد شرکت دارد.

آماره F نشان می‌دهد که آیا حداقل یکی از متغیرهای مستقل به‌طور معناداری بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد یا خیر. در این الگو، مقدار آماره F ، $9/204$ و سطح معناداری آن بسیار پایین است که نشان می‌دهد الگو به‌طور کلی معنادار است.

آماره دوربین - واتسون با مقدار $1/881$ و قرار گرفتن در محدوده $1/5$ تا $2/5$ نشان می‌دهد که وجود خودهم‌بستگی پی‌درپی در اجزای اخلال رگرسیون رد می‌شود.

افزون بر موارد ذکر شده، بر اساس نتایج جدول ۱۰ روند افزایشی ضرایب رگرسیونی رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته در دوره‌های مختلف به ترتیب ۰/۱۲۴-، ۰/۰۷۶ و ۰/۲۱۶ نشان می‌دهد که رویه‌های حسابداری مدیریت در کوتاه‌مدت ممکن است به دلیل برخی عوامل مانند هزینه‌های پیاده‌سازی یا مقاومت کارکنان، تأثیر منفی بر عملکرد داشته باشند؛ اما در بلندمدت، با بهبود فرایندها، افزایش بهره‌وری و تصمیم‌گیری‌های بهتر، این رویه‌ها به‌طور چشمگیری به بهبود عملکرد شرکت کمک می‌کنند و می‌تواند نقش پررنگی در خلق ارزش در بلندمدت داشته باشند. افزون‌براین، نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که اگرچه پیاده‌سازی رویه‌های حسابداری مدیریت ممکن است در کوتاه‌مدت با برخی چالش‌ها همراه باشد؛ اما در بلندمدت، این رویه‌ها به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای بهبود عملکرد شرکت عمل می‌کنند. بنابراین، مدیران باید به این رویه‌ها به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت نگاه کنند و برای موفقیت آن‌ها، برنامه‌ریزی دقیق و پشتیبانی مداوم را در نظر بگیرند.

جدول ۱۱. نتایج نهایی برازش رابطه رگرسیونی ۵

رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته	
*** -۰/۰۱۸ (۰/۰۰۵۳)	سرمایه‌گذاران نهادی
-۰/۰۰۶۲ (۰/۵۳۵۶)	سرمایه‌گذار نهادی برتر
*** ۰/۰۴۱۲ (۰/۰۰۱۳)	تمرکز مالکیت
*** ۰/۰۸۷۹ (۰/۰۰۰)	مقدار ثابت
۰/۵۰۲	ضریب R^2
۸۹۷۸ (۰/۰۰۰)	آماره F
۱/۹۱۰	آماره دوربین - واتسون
رابطه ۵	
$\text{FitinSize}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{IO}_{i,t} + \beta_2 \text{Top1shareholder}_{i,t} + \beta_3 \text{Ownership.Con}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	
*** تأیید شده در سطح احتمال ۹۹ درصد	

ضریب منفی و معنادار سرمایه‌گذاران نهادی (با ضریب -۰/۰۱۸ و p-value به مقدار ۰/۰۰۵۳) در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد که افزایش درصد مالکیت نهادی با کاهش رویه‌های حسابداری مدیریت مرتبط است. منفی بودن این ضریب می‌تواند به دلایل زیر باشد:

۱. کوتاه‌نگری:

الف. تمرکز بر سود کوتاه‌مدت: برخی از سرمایه‌گذاران نهادی به دنبال کسب سود سریع و کوتاه‌مدت هستند. این امر می‌تواند مدیران را تحت فشار قرار دهد تا تصمیم‌هایی بگیرند که به بهبود سود کوتاه‌مدت منجر شود، حتی اگر به زیان بلندمدت شرکت باشد.

ب. فشار برای دست‌کاری سود: برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت، مدیران ممکن است به دست‌کاری سود یا ارائه اطلاعات حسابداری همراه‌کننده تمایل پیدا کنند.

۲. تضاد منافع:

الف. منافع کوتاه‌مدت در مقابل بلندمدت: گاهی اوقات منافع سرمایه‌گذاران نهادی کوتاه‌مدت با منافع بلندمدت شرکت در تضاد است. این تضاد می‌تواند به تصمیماتی منجر شود که به زیان بلندمدت شرکت باشد.

ب. فشار برای کاهش سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است فشار آورند تا شرکت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت خود را کاهش داده و به جای آن سودهای خود را افزایش دهد. این امر می‌تواند به کاهش توان رقابتی شرکت در بلندمدت منجر شود.

۳. عدم درک پیچیدگی‌های کسب‌وکار:

الف. فقدان دانش تخصصی: برخی از سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است درک کاملی از پیچیدگی‌های کسب‌وکار شرکت نداشته باشند. این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست و فشار بر مدیران برای اتخاذ تصمیماتی منجر شود که با واقعیت‌های کسب‌وکار هم‌خوانی ندارد.

ب. تکیه بر شاخص‌های مالی ساده: تمرکز بیش از حد بر شاخص‌های مالی ساده و کوتاه‌مدت می‌تواند به نادیده گرفتن سایر عوامل مهمی منجر شود که بر عملکرد بلندمدت شرکت تأثیر می‌گذارند.

۴. عدم تعامل مؤثر با مدیریت:

الف. کمبود ارتباط: عدم ارتباط مؤثر بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت، می‌تواند به سوء تفاهم و تصمیم‌گیری‌های نادرست منجر شود.

ب. فشارهای بیش از حد: فشارهای بیش از حد سرمایه‌گذاران نهادی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های مدیران تأثیر منفی گذارد و به کاهش انگیزه و نوآوری منجر شود.

عدم معناداری ضریب سرمایه‌گذار نهادی بر تر نشان می‌دهد که این متغیر به تنهایی تأثیر معناداری بر رویه‌های حسابداری مدیریت ندارد. این امر ممکن است به این دلیل باشد که تأثیر این متغیر توسط متغیرهای دیگر الگو پوشیده شده باشد یا اینکه رابطه بین این دو متغیر به صورت غیرخطی باشد.

ضریب مثبت و معنادار تمرکز مالکیت (با ضریب ۰/۰۴۱۲ و p-value به مقدار ۰/۰۰۱۳) در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد که افزایش تمرکز مالکیت در دست بزرگ‌ترین سهام‌داران نهادی با افزایش رویه‌های حسابداری مدیریت همراه است. این امر ممکن است به این دلیل باشد که سهام‌داران بزرگ‌تر انگیزه بیشتری برای بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری دارند تا بتوانند بر تصمیم‌گیری‌های شرکت تأثیر بگذارند.

معنادار بودن آماری مقدار ثابت در این الگو (با ضریب $0/0879$ و p -value به مقدار $0/000$) به این معناست که در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت که این مقدار پایه به‌طور معناداری از صفر متفاوت است. ضریب R^2 نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته) توسط متغیرهای مستقل و کنترلی الگو (سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذار نهادی برتر و تمرکز مالکیت) توضیح داده می‌شود.

آماره $F (8/978)$ و سطح معناداری آن ($0/000$) نشان می‌دهد که الگو به‌طور کلی معنادار است و حداقل یکی از متغیرهای مستقل تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارد.

آماره دوربین - واتسون با مقدار $1/910$ و قرار گرفتن در محدوده $1/5$ تا $2/5$ نشان می‌دهد که وجود خودهمبستگی پی‌درپی در اجزای اخلال رگرسیون رد می‌شود.

به‌طور خلاصه، تفسیر این نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است تأثیرهای کوتاه‌مدت و منفی بر رویه‌های حسابداری مدیریت داشته باشند؛ در حالی که تمرکز مالکیت، با تمرکز بیشتر روی نظارت و کنترل دقیق‌تر، می‌تواند اثرهای مثبت و بلندمدتی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

رویه‌های حسابداری مدیریت در شرکت‌ها، در جهت‌دهی و ارتقای عملکرد نقشی کلیدی ایفا می‌کنند؛ زیرا با ارائه داده‌های مالی و اطلاعات تحلیلی، تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تری را در سطح مدیریتی امکان‌پذیر می‌سازند. این رویه‌ها به مدیران کمک می‌کنند تا منابع سازمان را بهینه تخصیص دهند، هزینه‌ها را کنترل کنند و به فرصت‌های سودآور دست یابند. اهمیت حسابداری مدیریت در این است که برخلاف حسابداری مالی که بیشتر بر گزارش‌دهی گذشته‌نگر تمرکز دارد، می‌تواند استراتژی‌های آتی را تحت تأثیر قرار دهد و به شرکت‌ها کمک کند تا با تغییرات محیطی، تقاضاهای بازار و عوامل اقتصادی به‌طور مؤثرتری تطبیق یابند. از این رو، حسابداری مدیریت به‌عنوان ابزاری برای خلق ارزش پایدار و تسهیل در دستیابی به اهداف بلندمدت سازمان مطرح می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، رویه‌های حسابداری مدیریت، باید به‌عنوان نوعی ابزار استراتژیک در نظر گرفته شوند؛ اما نیاز است که با توجه به مراحل مختلف چرخه عمر شرکت، رویه‌های حسابداری به‌طور مداوم بازنگری و به‌روز شوند تا بتوانند نیازهای شرکت را در هر مرحله برآورده سازند. در مرحله تولد، شرکت‌ها ممکن است نیاز به تمرکز بر رویه‌هایی داشته باشند که به تسهیل تأمین منابع مالی و کنترل هزینه‌ها کمک می‌کنند. در مرحله رشد، ممکن است نیاز به رویه‌هایی باشد که به مدیریت توسعه و گسترش کسب‌وکار کمک کنند. در مرحله بلوغ، تأکید ممکن است بر بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها باشد، در مرحله افول، ممکن است نیاز به نوآوری و تغییرات استراتژیک باشد و در مرحله نزول، شرکت‌ها ممکن است نیاز به رویه‌هایی داشته باشند که به بازسازی و تغییر ساختار کمک کنند. به‌منظور پاسخ به پرسش اول در این پژوهش، در راستای منطبق کردن رویه‌های حسابداری مدیریت با مراحل چرخه عمر، از الگوی ایدئال تناسب استفاده شد و در آن، به هر بُعد از رویه‌های حسابداری مدیریت، یکی از سه مقدار ۰ (کم)، $0/5$ (متوسط) و ۱ (زیاد)

اختصاص یافت و در نهایت، برای به‌دست آوردن رویه‌های حسابداری مدیریت تطبیق‌یافته با عامل اقتضایی مراحل چرخه عمر شرکت، از شاخص شباهت کسینوسی استفاده شد. انطباق رویه‌های حسابداری مدیریت با مراحل چرخه عمر با ادبیات موجود هم‌خوانی دارد (دوسی و همکاران، ۲۰۱۲؛ پاسچ، ۲۰۱۹).

با وجود اهمیت به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت در سازمان‌ها متناسب با مراحل مختلف چرخه عمر، ممکن است رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت تأثیر منفی داشته باشند. همان‌طور که نتایج پرسش دوم پژوهش نشان داده است، به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت، ممکن است در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر عملکرد سال جاری داشته باشند؛ اما در بهبود عملکرد یک سال و دو سال بعد مؤثر خواهد بود. اثرهای منفی کوتاه‌مدت رویه‌های حسابداری مدیریت، معمولاً از فرایندهای انطباق، هزینه‌های اجرای اولیه و مقاومت در برابر تغییر نشأت می‌گیرد، در حالی که اثرهای مثبت بلندمدت به بهبود کارایی، افزایش شفافیت و تصمیم‌گیری بهتر مرتبط است. یافته‌های مربوط به تأثیر منفی کوتاه‌مدت رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت با پژوهش‌های پیشین، همچون اعتمادی و همکاران (۲۰۰۹) و نوآور (۲۰۲۳) و همچنین تأثیر مثبت درازمدت رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت با پژوهش‌های همچون احمد (۲۰۱۷) و بنی احمد^۱ و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد. نکته دیگری که در یافته‌های پرسش دوم پژوهش وجود دارد، اثر تدریجی درازمدت رویه‌های حسابداری مدیریت است که به مرور، در طی زمان بیشتر می‌شود. درک اثر تدریجی رویه‌های حسابداری مدیریت، برای مدیران و تصمیم‌گیران بسیار مهم است. این درک موجب می‌شود که آن‌ها صبور باشند و به تغییرات زمان بدهند. همچنین، آن‌ها را به ارزیابی مستمر اثربخشی رویه‌های جدید و انجام اصلاحات لازم ترغیب می‌کند.

در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت در شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند نقش پُررنگی ایفا کنند. همان‌طور که نتایج پرسش سوم پژوهش نشان داده است، در حالی که سرمایه‌گذاران نهادی در به‌کارگیری رویه حسابداری مدیریت نقش منفی دارند، تمرکز مالکیت موجب بهبود در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش، این گونه استنباط می‌شود که تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی و تمرکز مالکیت بر رویه‌های حسابداری مدیریت، به نحوه تعامل و تعهد آن‌ها به استراتژی‌های بلندمدت بستگی دارد. در حالی که سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است در کوتاه‌مدت به دلیل فشار برای نتایج سریع تأثیرهای منفی داشته باشند، تمرکز مالکیت و حمایت از استراتژی‌های بلندمدت می‌تواند تأثیرهای مثبت و سازنده‌ای بر رویه‌های حسابداری مدیریت داشته باشد. یافته‌های این قسمت از پژوهش نیز با پژوهش‌های پیشین فیرک و همکاران (۲۰۱۹) و گونزالز و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت دارد.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

با توجه به یافته مربوط به پرسش اول پژوهش، در خصوص تطبیق رویه‌های حسابداری مدیریت با مراحل چرخه عمر، به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود:

۱. طراحی یک سیستم حسابداری منعطف و پویا: توصیه می‌شود که شرکت‌ها سیستمی از حسابداری مدیریت

طراحی کنند که بتواند با تغییرات در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت همگام شود. چنین سیستمی باید امکان ثبت، پردازش و گزارش‌گیری اطلاعات مالی و غیرمالی را به‌گونه‌ای فراهم کند که متناسب با اولویت‌های هر مرحله (نظیر رشد، سودآوری، بهره‌وری یا تثبیت بازار) باشد.

۲. انتخاب معیارهای عملکردی متناسب با هر مرحله از چرخه عمر: با توجه به تفاوت نیازهای مدیریتی در مراحل مختلف، شرکت‌ها باید معیارهای ارزیابی عملکرد خود را متناسب با مرحله‌ی فعلی توسعه تنظیم کنند. به‌عنوان مثال، در مرحله راه‌اندازی معیارهایی مانند نرخ رشد فروش یا جذب مشتریان جدید اهمیت دارند، در حالی که در مرحله بلوغ، تمرکز باید بر شاخص‌هایی مانند بازده سرمایه و حاشیه سود خالص باشد.

۳. انجام بازبینی‌های دوره‌ای برای اطمینان از انطباق سیستم حسابداری: ضروری است شرکت‌ها به‌طور مستمر (مثلاً سالانه) ارزیابی‌هایی از انطباق رویه‌های حسابداری خود با مرحله جاری از چرخه عمر انجام دهند. این بازبینی‌ها باید با هدف شناسایی کاستی‌ها و بهبود فرایندهای حسابداری صورت گیرد تا کارایی اطلاعات مالی حفظ شود.

۴. هم‌راستاسازی اطلاعات حسابداری با نیازهای اطلاعاتی مدیران در هر مرحله: در هر مقطع از عمر شرکت، نیازهای اطلاعاتی مدیران تغییر می‌کند. سیستم حسابداری باید به‌گونه‌ای طراحی شود که توانایی پاسخ‌گویی به این تغییرات را داشته باشد. برای مثال، در مرحله رشد، اطلاعاتی درباره هزینه‌های توسعه محصول و جذب بازار اهمیت دارد؛ در حالی که در مراحل تثبیت و بلوغ، اطلاعات مربوط به رقابت‌پذیری، سودآوری و مدیریت ریسک در اولویت قرار می‌گیرد.

با توجه به یافته مربوط به پرسش دوم در خصوص تأثیر منفی رویه‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد در سال جاری و تأثیر مثبت آن‌ها در سال بعد و سال‌های بعدتر، به مدیران سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود:

۱. اتخاذ دیدگاه بلندمدت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی: مدیران باید هنگام ارزیابی و اجرای رویه‌های جدید حسابداری مدیریت، نگاه بلندمدت را مد نظر قرار دهند. اگرچه ممکن است این رویه‌ها در کوتاه‌مدت به افزایش هزینه‌ها یا ایجاد نوسان در عملکرد منجر شوند، در بلندمدت می‌توانند با بهبود فرایند تصمیم‌گیری، افزایش بهره‌وری و ارتقای کارایی منابع، ارزش درخور توجهی برای سازمان ایجاد کنند.

۲. تقویت ارتباطات با ذی‌نفعان در خصوص ماهیت بلندمدت تغییرات: برای تسهیل پذیرش تغییرات و رویه‌های جدید، توصیه می‌شود که مدیران به‌طور شفاف و مستمر با ذی‌نفعان (شامل سهام‌داران، کارکنان و نهادهای نظارتی) ارتباط برقرار کنند و آن‌ها را از اهداف، منافع آتی و دلایل استراتژیک اجرای این تغییرات آگاه سازند. این اقدام می‌تواند مانع مقاومت در برابر تغییر شود و اعتماد ذی‌نفعان را جلب کند.

۳. استقرار نظام پایش و ارزیابی مستمر رویه‌های حسابداری مدیریت: پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها سازوکاری برای رصد و ارزیابی مداوم اثرگذاری رویه‌های حسابداری مدیریت طراحی کنند. این نظام باید شامل شاخص‌های سنجش عملکرد، بازخوردهای داخلی و بررسی‌های دوره‌ای باشد تا در صورت مشاهده ناکارآمدی یا انحراف از اهداف، امکان اصلاح و بهبود فراهم شود.

یافته‌های این بخش از پژوهش بر اهمیت نگاه بلندمدت هنگام ارزیابی اثربخشی رویه‌های حسابداری مدیریت تأکید می‌کند. افزون‌براین، صبر و تحمل در اجرای رویه‌های جدید حسابداری مدیریت و تمرکز بر منافع بلندمدت آن‌ها نکته کلیدی این بخش از یافته‌هاست.

با توجه به یافته مربوط به پرسش سوم پژوهش در خصوص تأثیر منفی سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های حسابداری مدیریت، عدم تأثیر سرمایه‌گذار نهادی برتر (بالاترین درصد مالکیت) و تأثیر مثبت تمرکز مالکیت بر رویه‌های حسابداری مدیریت، به‌منظور کاهش این اثرهای منفی پیشنهاد می‌شود:

۱. ارتقای سطح آگاهی سرمایه‌گذاران نهادی در خصوص اهمیت حسابداری مدیریت و اهداف بلندمدت: پیشنهاد

می‌شود که برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی برای سرمایه‌گذاران نهادی طراحی شود تا نقش حسابداری مدیریت در تصمیم‌گیری‌های راهبردی و ارزش‌آفرینی بلندمدت برای شرکت‌ها را بهتر درک کنند. این آگاهی می‌تواند از فشارهای کوتاه‌مدت‌نگرانه بر مدیران جلوگیری کند.

۲. بهبود شفافیت مالی و تقویت نظام‌های حسابرسی: افزایش سطح شفافیت اطلاعات مالی و غیرمالی از طریق به‌کارگیری استانداردهای گزارشگری و حسابرسی قوی، می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد بیشتر بین سرمایه‌گذاران و مدیریت باشد و مانع اعمال نفوذ غیرسازنده شود. حسابرسی مستقل و دقیق می‌تواند اطلاعات لازم برای ارزیابی دقیق عملکرد مدیریت را فراهم کند.

۳. تقویت ساختارهای نظارتی و چارچوب‌های حاکمیت شرکتی: توصیه می‌شود که نهادهای نظارتی و قانون‌گذار، به تدوین و اجرای مقرراتی اقدام کنند که تعامل میان سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت شرکت‌ها را در مسیر تحقق اهداف بلندمدت و ایجاد ارزش پایدار هدایت کند. وجود نهادهای مستقل نظارتی می‌تواند از بروز تعارض منافع و فشارهای سیاسی جلوگیری کند.

۴. هدایت سرمایه‌گذاران نهادی به‌سوی رویکرد بلندمدت در ارزیابی عملکرد شرکت‌ها: با اعمال مشوق‌های مناسب و اصلاح شاخص‌های عملکردی، می‌توان سرمایه‌گذاران نهادی را به اتخاذ رویکردی استراتژیک‌تر و بلندمدت‌تر در سرمایه‌گذاری و ارزیابی شرکت‌ها سوق داد. این رویکرد می‌تواند به حمایت بیشتر از سیاست‌های مدیریتی پایدار منجر شود.

۵. برقراری تعادل میان منافع سرمایه‌گذاران و الزامات مدیریتی شرکت‌ها: ضروری است مدیران شرکت‌ها تلاش کنند تا تعادلی میان پاسخ‌گویی به سرمایه‌گذاران و حفظ استقلال حرفه‌ای در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی ایجاد کنند. این تعادل می‌تواند با به‌کارگیری سازوکارهایی چون افشای شفاف برنامه‌های آتی، جلب مشارکت سازنده ذی‌نفعان و تنظیم سیاست‌های روشن حاکمیت شرکتی، تحقق یابد.

در نهایت، ایجاد تعادل بین منافع سرمایه‌گذاران و نیازهای مدیریتی شرکت‌ها برای بهبود عملکرد در بلندمدت، اهمیت زیادی دارد و می‌تواند به پیشگیری از تأثیرهای منفی ذکر شده کمک کند.

منابع

- ابراهیمی کهریزسنگی، خدیجه و بخردی نسب، وحید (۱۳۹۸). نقش راهبری شرکتی در حسابداری مدیریت استراتژیک. *حسابداری مدیریت*، ۱۲(۴۱)، ۶۹-۸۹.
- پاک مرام، عسگر و رضایی، ندا (۱۳۹۶). تأثیر محیط رقابتی و شاخصه‌های سازمانی بر شیوه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد سازمانی. *حسابداری مدیریت*، ۱۰(۳۴)، ۴۵-۵۵.
- خرم‌دل ماسوله، زهرا؛ ناظمی، امین و نمازی، نویدرضا (۱۴۰۳). تدوین و اعتبارسنجی معیارهای اندازه‌گیری رویه‌های حسابداری مدیریت با استفاده از تحلیل محتوا و مدل بازنمایی کلمه به روش ورد تو وک. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۴(۳)، ۱۰۳-۱۴۲.
- دهقان وردانی، حجت (۱۳۹۸). *نوآوری‌های حسابداری مدیریت در زمان بحران‌های اقتصادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی شمس تبریزی.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ علم بیگی، امیر و خطیبی، حسن (۱۳۹۵). بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی بر اثربخشی ابزارهای حسابداری مدیریت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵(۱۷)، ۸۷-۹۸.
- سجادی، سید حسین؛ اثنی عشری، حمیده و شاکری، اکبر (۱۴۰۲). تأثیر فرهنگ نوآوری‌گرا بر کاربرد فن‌های حسابداری مدیریت استراتژیک. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰(۱)، ۱-۲۷.
- سحری، محمدرضا و پورزمانی، زهرا (۱۴۰۱). تبیین الگوی ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با محوریت حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۴(۵۵)، ۱۲۱-۱۴۴.
- طاهری، مرتضی (۱۳۹۶). *تأثیر سیستم حسابداری مدیریت بر ارتباط بین رقابت بازار محصول و عملکرد شرکت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی سهروردی.
- عرب‌مازار یزدی، محمد؛ ناصری، احمد؛ نکوئی‌زاده، مریم و مرادی، امیر (۱۳۹۶). بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری سیستم اطلاعاتی حسابداری بر عملکرد شرکت با رویکرد قابلیت‌های پویا. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۲)، ۲۲۱-۲۴۲.
- فرجی، امید؛ اسدی، محمود و خداکرمی، مهدی (۱۴۰۳). نقش تعدیلگر خشک‌سالی در رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۱(۱)، ۱۲۳-۱۵۳.
- کاردان، بهزاد؛ ودیعی، محمدحسین و شهسواری، معصومه (۱۳۹۹). بررسی عملکرد پیش‌بینی‌های مبتنی بر چرخه عمر و تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر آن. *دانش حسابداری*، ۱۱(۴ (پیاپی ۴۳))، ۶۵-۹۶.
- ملک حسینی، حمیدرضا؛ عرب صالحی، مهدی و فروغی، داریوش (۱۴۰۰). تأثیر فرهنگ سازمانی از طریق تکنیک‌های حسابداری مدیریت نوین بر عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۳(۲ (پیاپی ۴۸))، ۷۹-۱۰۰.
- نخعی، کریم؛ یزدی فر، حسن و فغانی، مهدی (۱۴۰۰). ارتقای سطح اثربخشی معیارهای رقابتی شرکت‌ها براساس تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک از طریق تحلیل‌های درخت تصمیم و تئوری راف توسعه یافته. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۳۹)، ۱۳۷-۱۶۸.

- نظری پور، محمد و حیدری، امیرمحمد (۱۴۰۳). بررسی عوامل مؤثر در به‌کارگیری تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک با تأکید بر متغیرهای اقتضایی و کنترلی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۱(۴)، ۷۳۳-۷۶۲.
- نمازی، محمد و کرمشاهی، بهنام (۱۳۹۹). تأثیر کنشگران اقتصادی کلیدی و حسابداری مدیریت بر عملکرد مالی شرکت‌های تولیدی. *حسابداری مدیریت*، ۱۳(۴۷)، ۱۴۳-۱۵۶.
- یعقوبیان، شیرمحمد؛ جمشیدی نوید، بابک؛ قنبری، مهرداد و نادمی، آرش (۱۴۰۰). ارائه مدل اقتضایی ارزیابی عملکرد شرکت‌ها با تأکید بر نقش ابزارهای نوین حسابداری مدیریت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۰(۳۷)، ۱۱۳-۱۲۷.
- یعقوبیان، شیرمحمد؛ جمشیدی نوید، بابک؛ قنبری، مهرداد و نادمی، آرش (۱۴۰۱). شناسایی ابعاد مدل ارزیابی عملکرد شرکت‌ها، تحت تأثیر ابزارهای حسابداری مدیریت با تأکید بر تئوری اقتضایی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۱(۴۱)، ۱۱۱-۱۲۸.

References

- Abdel-Kader, M. & Luther, R. (2008). The impact of firm characteristics on management accounting practices: A UK-based empirical analysis. *The British Accounting Review*, 40(1), 2-27.
- Adu-Gyamfi, J., Yusheng, K. & Chipwere, W. (2020). The impact of management accounting practices on the performance of manufacturing firms: An empirical evidence from Ghana. *Research Journal of Finance and Accounting*, 11(20), 100-113.
- Adu-Gyamfi, J., Yusheng, P., Ayisi, A. & Peki, W. (2021). Determinants of management accounting practices by manufacturing firms. *EPRA International Journal of Economics, Business and Management Studies*, 55-61.
- Ahmad, K. (2017). The implementation of management accounting practices and its relationship with performance in small and medium enterprises. *International Review of Management and Marketing*, 7(1), 342-353.
- Al-Bassam, W. M., Ntim, C. G., Opong, K. K. & Downs, Y. (2018). Corporate boards and ownership structure as antecedents of corporate governance disclosure in Saudi Arabian publicly listed corporations. *Business & Society*, 57(2), 335-377.
- Alleyne, P. & Weekes-Marshall, D. (2011). An exploratory study of management accounting practices in manufacturing companies in Barbados. *International Journal of Business and Social Science*, 2(9), 49-58.
- Alroqy, F. (2020). The Factors Influencing Cost and Management Accounting Practices in Manufacturing in Saudi Stock Exchange. *Alexandria Journal of Accounting Research*, 4(3), 1-49.
- Anh, D. N. P. (2016). Factors Affecting the Use and Consequences of Management Accounting Practices in A Transitional Economy: The Case of Vietnam. *Journal of Economics and Development*, 54-73.
- Arabmazar Yazdi, M., Naseri, A., Nekoei Zadeh, M. & Moradi, A. (2017). Investigating the impact of accounting information system flexibility on company performance with a

- dynamic capability approach. *Accounting and Auditing Reviews*, 24(2), 221-242. (in Persian)
- Asmilia, N. & Sugiyarti, L. (2020). Managerial performance: The mediating role of strategy management accounting techniques on competitive advantage and organization performance. *Economics and Accounting Journal*, 3(2), 80-89.
- Ax, C. & Greve, J. (2017). Adoption of management accounting innovations: Organizational culture compatibility and perceived outcomes. *Management accounting research*, 34, 59-74.
- Baines, A. & Langfield-Smith, K. (2003). Antecedents to management accounting change: a structural equation approach. *Accounting, organizations and society*, 28(7-8), 675-698.
- Bani Ahmad Ayassrah, A. Y. A., Jwaifel, I., Abdel-Aziz, M. S. E., Wagdi, O., Abbas, K. M., Saleh Alnaimat, M. A. & Bani Ahmad, I. Y. A. (2022). The Relationship Between Managerial Accounting and Corporate Value Creation in the Context of Structural Equation-Based Research. *Journal of Management Information and Decision Sciences*, 4(25), 1-18.
- Benkraiem, R. (2008). The influence of institutional investors on opportunistic earnings management. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 5(1), 89-106.
- Beuren, I. M., Rengel, S. & Rodrigues Junior, M. M. (2015). Relação dos atributos da contabilidade gerencial com os estágios do ciclo de vida organizacional. *innovar*, 25(57), 63-78.
- Budi, N. Y., Wulansari, D. & Yanti, H. (2023). Influence of Management Accounting Practices on MSMEs Firms Performance. *International Journal of Contemporary Accounting*, 5(2), 103-124.
- Bushee, B. J., Carter, M. E. & Gerakos, J. (2014). Institutional investor preferences for corporate governance mechanisms. *Journal of Management Accounting Research*, 26(2), 123-149.
- Chung, C. Y., Hur, S.K. & Liu, C. (2019). Institutional investors and cost stickiness: Theory and evidence. *The North American Journal of Economics and Finance*, 47, 336-350.
- Dahal, R. K. (2022). Management accounting practices and organizational performance. *Problems and Perspectives in Management*, 20, 33-43.
- Dasanayaka, C.H., Murphy, D. F., Nagirikandalage, P. & Abeykoon, C. (2021). The application of management accounting practices towards the sustainable development of family businesses: A critical review. *Cleaner Environmental Systems*, 3, 100064.
- Davila, T. (2005). An exploratory study on the emergence of management control systems: formalizing human resources in small growing firms. *Accounting, organizations and society*, 30(3), 223-248.
- Dechow, P., Ge, W. & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of accounting and economics*, 50(2-3), 344-401.

- Dehghan Vardani, H. (2020). *Innovations in management accounting during economic crises*. Master's thesis. Shams Tabrizi Institute of Higher Education. (in Persian)
- Deng, X. & Tu, J. (2022). Institutional Investor Heterogeneity, Accounting Information Quality and Enterprise Performance. *Frontiers in Business, Economics and Management*, 4(2), 153-163.
- Diyanati Dilami, Z., Alam Beigi, A. & Khatibi, H. (2016). Examining the impact of environmental uncertainty on the effectiveness of management accounting tools. *Journal of Management Accounting and Auditing*, 5(17), 87-98. (in Persian)
- Dossi, A., Morelli, M. & Zoni, L. (2012). Does the Organizational Life Cycle Affect the Management Accounting System (MAS) Change Pattern?: A Review of Case Studies. *Management Control: supplemento 3*, 2012, 7-37.
- Drobetz, W., El Ghouli, S. & Guedhami, O. (2021). The Role of Institutional Investors in International Corporate Governance: Contemporary Paradigms and Perspectives. *Corporate Governance: An International Review*, 29(6), 688-693.
- Ebrahimi Kahrizsangi, K. & Bekhradinasab, V. (2019). The Role of Corporate Governance in Strategic Management Accounting. *Management Accounting*, 12(41), 69-89. (in Persian)
- Etemadi, H., Dilami, Z. D., Bazaz, M. S. & Parameswaran, R. (2009). Culture, management accounting and managerial performance: Focus Iran. *Advances in accounting*, 25(2), 216-225.
- Faraji, O., Asadi, M. & Khodakrami, M. (2024). The moderating role of drought in the relationship between corporate social responsibility and financial performance. *Accounting and Auditing Reviews*, 31(1), 123-153. (in Persian)
- Fenyves, V., Böcskei, E. & Sütő, D. (2015). Role of the Managerial Accounting in Different Phases of the Corporate Life-Cycle. *Annals of Faculty of Economics*, 1(2), 463-470.
- Ferreira, M. A. & Matos, P. (2008). The colors of investors' money: The role of institutional investors around the world. *Journal of financial economics*, 88(3), 499-533.
- Firk, S., Schmidt, T. & Wolff, M. (2019). Exploring Value Based Management sophistication: the role of potential economic benefits and institutional influence. *Contemporary Accounting Research*, 36(1), 418-450.
- González, P. S., Vanti, A. A. & de Iudícibus, S. (2023). Corporate governance and management accounting to reduce agency conflicts. *Cuadernos de Contabilidad*, 24(24), 1.
- Gordon, L. A. & Silvester, K. J. (1999). Stock market reactions to activity-based costing adoptions. *Journal of Accounting and Public Policy*, 18(3), 229-251.
- Huynh, Q. L. (2015). The mutual relationship between corporate governance and management accounting: which occurs first? *American Journal of Applied Sciences*, 12(6), 403-410.
- Ismail, K., Zainuddin, S. & Sapiei, N. S. (2010). The use of contingency theory in management and accounting research. *Asian Journal of Accounting Perspectives*, 3(1), 22-37.
- Ittner, C.D. & Larcker, D.F. (1997). Quality strategy, strategic control systems, and organizational performance. *Accounting, organizations and society*, 22(3-4), 293-314.

- Ittner, C.D., Larcker, D.F. & Randall, T. (2003). Performance implications of strategic performance measurement in financial services firms. *Accounting, organizations and society*, 28(7-8), 715-741.
- Kardan, B., Vadieli, M. H. & Shahsavari, M. (2020). Examining the performance of lifecycle-based forecasts and determining the effective components. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(4 (Consecutive 43)), 65-96. (in Persian)
- Kihara, E. (2023). Working Capital Management Practices on Profitability of Manufacturing Firms Listed in Nairobi Securities Exchange, Kenya. *International Journal of Current Aspects in Finance, Banking and Accounting*, 5(2), 71-90.
- Kiyamaz, H., Haque, S. & Choudhury, A. A. (2024). Working capital management and firm performance: A comparative analysis of developed and emerging economies. *Borsa Istanbul Review*, 24(3), 634-642.
- Khorramdel Masouleh, Z., Nazemi, A. & Namazi, N. (2024). Codifying and Validating Management Accounting Practices Measurement Using Content Analysis and Word Embedding Model Using Word2Vec Method. *Empirical Accounting Research*, 14(3), 103-142. (in Persian)
- Kober, R., Ng, J. & Paul, B. J. (2007). The interrelationship between management control mechanisms and strategy. *Management accounting research*, 18(4), 425-452.
- Kolehmainen, K. (2012). *On the interface between strategy and management accounting: four essays*: Aalto University.
- Lu, X. & Wang, J. (2018). A review of the classification of Enterprise life cycle. *Modern Economy*, 9(7), 1169-1178.
- Malek Hosseini, H. R., Arab Salehi, M. & Foroughi, D. (2021). The impact of organizational culture through modern management accounting techniques on financial performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 13(2), 79-100. (in Persian)
- Mia, L. & Clarke, B. (1999). Market competition, management accounting systems and business unit performance. *Management accounting research*, 10(2), 137-158.
- Miller, D. & Friesen, P. H. (1984). A longitudinal study of the corporate life cycle. *Management science*, 30(10), 1161-1183.
- Nakhai, K., Yazdi Far, H. & Faghani, M. (2021). Improving the effectiveness of competitive criteria of companies based on strategic management accounting techniques through decision tree analysis and developed fuzzy theory. *Experimental Accounting Research*, 11(39), 137-168. (in Persian)
- Namazi, M. & Kermashahi, B. (2020). The impact of key economic agents and management accounting on financial performance of manufacturing companies. *Management Accounting*, 13(47), 143-156. (in Persian)
- Nazari Pour, M. & Heydari, A. M. (2024). Examining the factors affecting the use of strategic management accounting techniques with an emphasis on contingent and control variables. *Accounting and Auditing Reviews*, 31(4), 733-762. (in Persian)

- Nguyen, T. H., Nguyen, D. T., Nguyen, T. A. & Nguyen, C. D. (2023). Impacts of contingency factors on the application of strategic management accounting in Vietnamese manufacturing enterprises. *Cogent Business & Management*, 10(2), 2218173.
- Nowar, R. S. (2023). Contextual Factors as Determinants of Management Accounting Practices Adoption and its Impact on the Performance of Egyptian Firms. *The Academic Journal of Contemporary Commercial Research*, 3(2), 75-103.
- Nuhu, N.A., Baird, K. & Appuhami, R. (2016). The association between the use of management accounting practices with organizational change and organizational performance. In *Advances in management accounting* (pp. 67-98): Emerald Group Publishing Limited.
- Pakmaram, A. & Rezaei, N. (2017). The Impact of Competitive Environment and Organizational Measures on Management Accounting Practices and Organizational Performance. *Management Accounting*, 10(34), 45-55. (in Persian)
- Pasch, T. (2019). Organizational lifecycle and strategic management accounting. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 15(4), 580-604.
- Perera, W., Gunawardana, C. C. & Senevirathne, W. A. (2023). The impact of management accounting practices on operational performance in smes in the colombo district, sri lanka. *Journal of Accountancy & Finance*, 9, 290-312. doi:10.57075/jaf922207
- Phornlaphatrachakorn, K. & Nakalasindhu, K. (2020). Strategic management accounting and firm performance: Evidence from finance businesses in Thailand. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(8), 309-321.
- Pu, Z., Zhao, P., Noordin, R. & Sondoh Jr, S. L. (2023). Strategic management accounting information usage and the choice of competitive strategy: moderating role of corporate life cycle/Pu Zhao, Raman Noordin and Stephen Laison Sondoh Jr. *Management and Accounting Review (MAR)*, 22(1), 327-351.
- Qiu, F., Hu, N., Liang, P. & Dow, K. (2023). Measuring management accounting practices using textual analysis. *Management accounting research*, 58, 100818.
- Ruwanthi, I. & Mudiyanse, T. (2022). The Impact of Management Accounting Practices on Organizational Performance: A study based on Medium-Sized Businesses in Food and Beverage Sector in Gampaha District, Sri Lanka. *International journal of scientific and research publications*.
- Sahri, M. R. & Pourzomani, Z. (2022). Explaining the model of corporate governance characteristics focusing on strategic management accounting and management accounting. *Financial Accounting and Auditing Research*, 14(55), 121-144. (in Persian)
- Sajjadi, S. H., Esfahani, H. & Shakeri, A. (2023). The effect of innovation-oriented culture on the application of strategic management accounting techniques. *Accounting and Auditing Reviews*, 30(1), 1-27. (in Persian)
- Silva, M. Z. D., Marques, L. & Cecon, B. (2020). Relação entre os artefatos de contabilidade gerencial e o ciclo de vida organizacional de empresas do setor de consumo cíclico. *Innovar*, 30(76), 105-118.

- Taheri, M. (2017). *The effect of management accounting systems on the relationship between product market competition and company performance*. Master's thesis. Sohrevardi Institute of Higher Education. (in Persian)
- Thuan, P. Q., Khuong, N. V., Anh, N. D. C., Hanh, N. T. X., Thi, V. H. A., Tram, T. N. B. & Han, C. G. (2022). The determinants of the usage of accounting information systems toward operational efficiency in industrial revolution 4.0: Evidence from an emerging economy. *Economies*, 10(4), 83.
- Wang, Z., Akbar, M. & Akbar, A. (2020). The interplay between working capital management and a firm's financial performance across the corporate life cycle. *Sustainability*, 12(4), 1661.
- Yaghoubi, S. M., Jamshidi, N. B., Ghanbari, M. & Nadami, A. (2021). Providing a contingency model for evaluating company performance with an emphasis on modern management accounting tools. *Journal of Management Accounting and Auditing*, 10(37), 113-127. (in Persian)
- Yaghoubi, S. M., Jamshidi, N. B., Ghanbari, M. & Nadami, A. (2022). Identifying the dimensions of the company performance evaluation model under the influence of management accounting tools with an emphasis on contingency theory. *Journal of Management Accounting and Auditing*, 11(41), 111-128. (in Persian)
- Young, S. M. & Selto, F. H. (1993). Explaining Cross-Sectional Workgroup Performance Differences in a JIT Facility: A Critical Appraisal of a Field-Based Study. *Journal of Management Accounting Research*, 5.